راهنمای اجمالی

موزه ایران باستان

اسفند ماه ۱۳۲۶

دیباچه

موزه ایرانباستان از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ ساخته و پرداخته شده بآئین نوین موزه های دنیا شامل دو نوع موزه است موزه عمومی و موزه بررسیهای خصوصی .

در قسمت موزه عمومی اشیائی بمعرض نمایش گذارده شده است که از لحاظ تاریخ و صنعت ایران واجد ارزش زیاد باشد بطوریکه تماشا کنندگان معمولی بدون احساس خستگی و کسالت زیاد در مدت دو ساعت بتوانند آنها را ملاحظه نمایند وبقدر کفایت بموزه کشور باستانی ایران آشنا شوند ـ بنا بر این چندان افزایشی بر تعداد اشیاء موجود موزه مورد نظر نبوده بلکه بتدریج اشیاء سالمتر و نمونه های بهتری که پیدا شود یا آثاریکه بر دوره های نسبتاً مبهم ومجهول تاریخ ایران پرتو جدیدی افکنده اطلاع تازه بدست دهد با قسمتی از اشیاء فعلی موزه تعویض خواهد گردید .

دراین موزه اشکوب اول شامل اشیاء مربوط به تمدنهای بسیارقدیمی ایران تا انتهای دوره ساسانی بوده اشکوب دوم آثاراسلامی رادر بردارد.

موزه بررسیهای خصوصی برای استفاده و مطالعه دانشمندان و دانشجویان تخصیص داده شده شامل قطعات ونمونه های دیگری است که بعلت شکستگی وکسر فراوان یا عدم اهمیت تاریخی زیاد یا براثر مکرر بودن درقسمت تالارعمومی موزه قرارنگرفته دراطاقهای کوچك وگنجه‌های مخصوص چیده شده است .

فهرست سلسله های اصلی شهریاران ایران بترتیب تاریخی

از نظر اختلاف عقیده در باره سال تأسیس یا انقراض هر سلسله دراین فهرست واقعهٔ مهمی که در آغاز وپایان کار هرسلسله بنظر رسیده ذکر گردیده است .

شاهان مد : آغاز - ۷۰۸ پیش ازمیلادکه دیائوکو Déjocès دولت مد را تأسیس نمود .

پایان - ۵۵۰ پیش از میلاد که کورش بزرگ آزیدئاك آخرین شهریار مد را شکست داد.

هخامنشیان : آغاز - ۵۵۸ پیش‌از میلاد که‌کوروش بزرگ بجای‌پدرش کامبیز به سلطنت پارس رسید .

پایان - ۳۳۱ پیش از میلاد که اسکندر مقدونی تخت جمشید را فتح کرد .

سلسله‌سلوکی : آغاز - ۳۱۲ پیش از میلاد که سلوکوس اول بابل را تصرف نمود .

پایان - ۱۶۳ پیش‌از میلاد که‌آنتیوکوس چهارم‌فوت کرد.

اشکانیان : آغاز - ۲۵۰ پیش‌ازمیلادکه اشك‌اول سلسله‌اشکانیان‌را تأسیس نمود .

پایان - ۲۲٤ بعداز میلادکه اردشیر اول اردوان‌پنجم‌را مغلوب ساخت .

اطاق مخصوص سکه‌ها و مهره های عتیقه و اطاق نمونه‌های قطعات سفالهای قدیمی نقاط مختلف ایران و کتابخانه مخصوصی حاوی کتب مربوط به صنعت و باستانشناسی نیز قسمتهای دیگر موزه ایرانباستان را تشکیل میدهد.

پایان-۳۶۶ هجری که نواحی معروف به جبل بدو قسمت شد یکی همدان و اصفهان و دیگری ری .

آل بویه در همدان و اصفهان : آغاز ـ ۳۶۶ هجری هنگامیکه فرمانروائی این دو استان نصیب مؤیدالدوله گردید .

پایان ـ ۴۱۲ هجری وقتی امراء کاکویه در ۴۱۲ اصفهان وسال بعد همدان را تصرف نمودند .

آل بویه درری : آغاز ـ ۳۶۶ هجری هنگامیکه فرمانروائی ری نصیب فخرالدوله شد .

پایان ـ ۴۲۰ هجری وقتی غزنویان ری رامتصرف شدند .

غزنویان : آغاز ـ ۳۵۱ هجری هنگامیکه الب تکین درغزنین دولت مستقلی تشکیل داد .

پایان ـ ۵۸۲ هجری که غوریان سلسلهٔ غزنوی را منقرض کردند .

امراء کاکویه (که خود تیرهٔ از آل بویه هستند) : آغاز ـ ۳۹۸ هجری هنگامیکه علاء الدوله بن کاکویه خود را مستقل خواند .

پایان ـ تقریباً سال ۵۱۳ هجری که علاءالدوله گرشاسب دوم سلطنت موروثی خودرا ازکف داد .

سلجوقیان : آغاز ـ ۴۲۹ هجری ـ دراینسال سلجوقیان نیشابور را متصرف گشته نام طغرل بیك درخطبه ذکرمیگردد .

پایان ـ ۵۵۲ هجری که سال فوت سلطان سنجر باشد .

سلاجقه کرمان : آغاز ـ ۴۳۳ هجری که قاوردقرا ارسلان بیك بکرمان هجوم آورد .

ساسانیان : آغاز - ۲۲۶ میلادی که اردشیر تیسفون را تصرف کرد.
پایان - ۶۵۱ میلادی که یزدگرد سوم وفات نمود.

ازاین ببعد که از سلسله های دوره اسلام در ایران ذکر میشود مبداء سالهای تاریخ سنه هجری است.

صفاریان در سیستان : آغاز - ۲۵۴ هجری که یعقوب بن لیث صفار امیر تمام خاك سیستان گردید.
پایان - ۳۹۹ هجری که کشور صفاریان بدست غزنویان افتاد

سامانیان درخراسان : آغاز - ۲۰۴ هجری که احمدبن اسد ازطرف حاکم عباسیان بحکومت فرغانه منصوب گشت.
پایان - ۳۹۵ هجری که سال فوت اسمعیل بن نوح باشد.

آل زیار درگرگان و طبرستان : آغاز - ۳۱۶ هجری که مرداویج بن زیار استقلال یافت
پایان - ۴۷۰ هجری که گیلانشاه بن کیکاووس فوت کرد.

آل بویه در فارس وخوزستان : آغاز - ۳۲۲ هجری هنگامیکه عمادالدوله فرمانروای فارس شد.
پایان - ۴۴۷ هجری که طغرل اول سلجوقی خسرو فیروزرا از حکومت برکنار ساخت.

آل بویه درکرمان : آغاز - ۳۲۴ هجری که معزالدوله کرمانرا فتح نمود.
پایان - ۴۴۸ هجری هنگامیکه ابومنصور فولاد ستون توسط فضلویه بن حسنویه زندانی گردید.

آل بویه درجبل : آغاز - ۳۲۰ هجری که عمادالدوله حکمران جبل استقلال یافت.

تیموریان درگرگان ومازندران : آغاز - ۸۰۷ هجری سلطان شاهرخ که از سال ۷۹۹ براین دوایالت هم حکومت مینمود در این سال پادشاه آنجا محسوب گردید .

پایان - ۹۰۰ هجری مقارن بامرگ سلطان محمود.

تیموریان درجبل : آغاز - ۸۰۷ هجری دراین سال جلال الدین میرانشاه سلطان جبل بشماررفت .

پایان - ۸۱۷ هجری نواحی جبل تحت سلطنت سلطان شاهرخ واقع گشت .

تیموریان در فارس وسیستان : آغاز - ۷۵۵ هجری فرمانروائی عمرشیخ

پایان - ۸۵۵ هجری سلطان محمد میرانشاه درستدرهمین سال پادشاهی نموده است .

صفویه : آغاز - ۹۰۷ هجری شاه اسمعیل اول در تبریز رسماً سلطنت جلوس کرد .

پایان - ۱۱۶۶ هجری خلع سلطانحسین ثانی بوسیله کریمخان زند

افاغنه : آغاز - ۱۱۳۵ هجری محمود پسر میرویس اصفهانرا تصرف نمود .

پایان - ۱۱۴۲ هجری اشرف پسر عبدالله وفات یافت

افشاریه : آغاز - ۱۱۴۸ هجری که مقارن باتاجگذاری نادرشاه میباشد .

پایان - ۱۱۶۳ هجری خلع شاهرخ میرزا نوه نادرشاه از سلطنت .

پایان ــ ۵۸۲ هجری که محمد ثانی پسر بهرامشاه بدست ترکان غزاز سلطنت کنار رفت .

سلسله مغول یا: ایلخانیان ایران آغاز ٦٥٤ هجری که غالب امراءِ وفرمانروایان ایران بتبعیت هلاکوخان در آمدند .

پایان ــ ۷۳٦ هجری که با فوت ابوسعید تیره اصلی سلسله ایلخانیان منقرض گردید .

آل مظفر : آغاز ــ ۷۱۳ هجری مقارن باجلوس امیر مبارز الدین که مؤسس سلسله آل مظفر بشمار میرود .

پایان ــ ۷۹۵ هجری قتل شاه منصور ازطرف امیرتیمور

قره قوینلو : آغاز ــ ۷۸۲ هجری جلوس قرا محمد که مؤسس این سلسه محسوب میگردد .

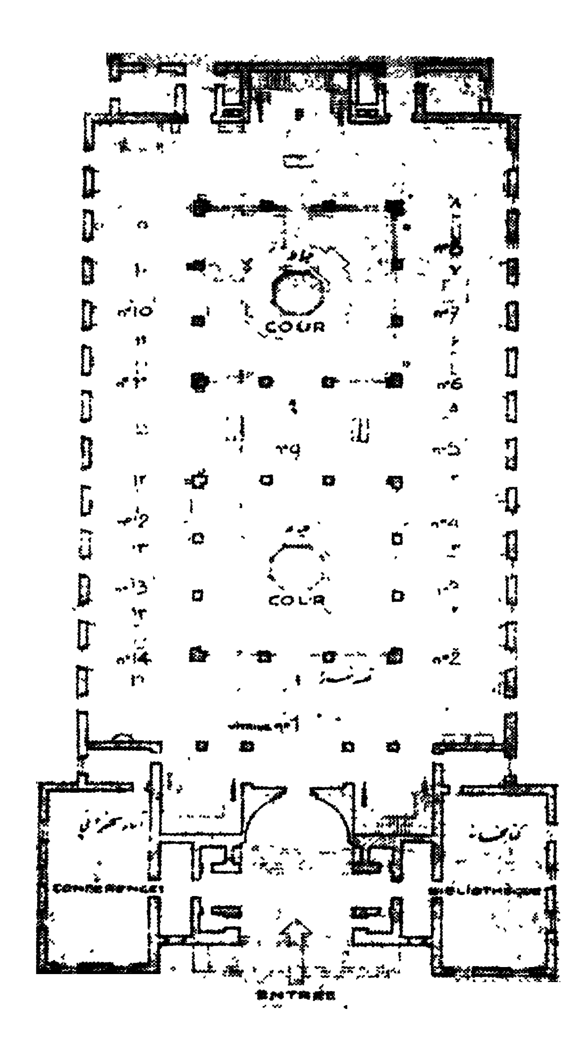
پایان ــ ۸۷۳ هجری قتل حسنعلی بن جهان شاه ازطرف اوزون حسن .

آق قوینلو : آغاز ــ ۷۸۰ هجری تأسیس این سلسله بدست قرایولوق عثمان .

پایان ــ ۹۰۸ هجری عزل سلطان محمد بن یوسف بدست شاه اسمعیل اول .

تیموریان : در خراسان آغاز ــ ۸۰۷ هجری ـ بعد ازفوت امیر تیمور چهارمین پسرش شاهرخ میرزا که ازسال ۷۹۹ هجری برخراسان حکومت مینمود پادشاه آن خطه شناخته شد .

پایان ــ ۹۱۲ هجری ـ بدیع الزمان مغلوب محمد شیبانی گردید .



نقشه اشکوب اول موزه

زندیه : آغاز ـ ۱۱۶۳ هجری شروع فرمانروائی کریمخان زند
پایان ـ ۱۲۱۱ هجری کشته شدن لطفعلیخان زند بامر
آغا محمدخان قاجار

قاجاریه : آغاز ـ ۱۱۶۳ هجری محمد حسنخان قاجار خود را
مستقل خواند.
پایان ـ ۱۳۴۴ هجری (۱۳۰۴ شمسی) خلع سلطان
احمد شاه.

سلسله پهلوی : آغاز ـ ۱۳۴۴ هجری قمری یا ۱۳۰۴ شمسی جلوس
رسمی شاهنشاه فقید اعلیحضرت رضاشاه پهلوی به سلطنت

زیسته باشند بلکه قدیمترین نمونه هائی که بدست آمده شامل سر گرز و تبر های سنگی است که آنها را صاف وصیقل کرده‌اند و بفاصله‌کوتاهی پس از آن میبینیم مس و مفرغ بکار برده اند.

اجمالاً میتوان تصور نمود اقوامیکه در حدود چهار هزار سال پیش از میلاد در ایران میزیسته اند از ناحیه دیگری باین مرز و بوم آمده باشند و نیز میتوان چنین پنداشت که ساکنین اولیه فلات ایران مانند صحرا نشینان کنونی در کپرها با نوعی چادر میزیسته اندکه اثری از آن بجا نمانده است واز هنگامیکه دهکده هائی نظیر کشفیات تپه‌سیلك کاشان یا تل با کون تخت جمشید یاتپه حصار دامغان و امثال آن‌احداث نموده بودند از خود آثاری باقی گذارده‌اند که اکنون به‌دست ما رسیده است - کاوشها و اکتشافات‌آینده این نکته‌را روشن خواهد ساخت‌وبرای احتراز ازاطناب مطلب عجالتاً زودتر بشرح مهمترین اشیاء عتیقه وآثار مربوط بدوره پیش از تاریخ و ابتدای تاریخ که در نقاط مختلف ایران کشف گشته در قفسه های جداگانه بمعرض نمایش گذارده شده است میپردازیم.

قفسه اول

رو بروی در ورود شامل اشیاء تپه سیلك کاشان:

کاوشهائیکه توسط هیئت علمی اعزامی موزه لوور در تپه سیلك کاشان بعمل آمده از تمدن بسیار قدیمی حکایت میکند - اشیاء و آثار عتیقهٔ که از این کاوشها بدست آمده متعلق بدو دوره مختلف میباشدیك

بخش پیش از تاریخ و آغاز تاریخ

بطور کلی در ایران مانند سراسر آسیای غربی آغاز دورهٔ موسوم به دوره تاریخ‌را در حدود سه هزار سال پیش ازمیلاد میدانند و معتقدند که پیش از آن زمان هم در طول مدت هزار سال قدیمی ترین تمدن‌های تاریخ بشر تشکیل یافته و بوجود آمده است که آنرا دوره پیش از تاریخ میخوانند

در باره دورهٔ پیش از تاریخ تا آغـاز قرن اخیر اطلاعی در دست نبود و نخستین کاوشها و اکتشافات مربوط بدوره مزبور از ابتدای قرن بیستم میلادی دربین‌النهرین و عیلام قدیم انجام گرفته است ویرانه های شوش که در زمان قدیم پایتخت و شهر عمده دوره های مختلف تاریخی بود دراین اکتشافات مقام بس مهمی‌را پیدا کرده پایه ومبنای طبقه‌بندی آثار و اشیاءِ مکشوفه در حفاریها گردیده است بطوری که اشیاء مکشوفه از محلهای دیگر را برای تشخیص درجه قدمت و کهنگی آنها بااشیاءمکشوفه در شوش مقایسه نموده از روی آنها طبقه بندی میکنند.

قدیمترین آثار تمدن انسانی بر روی فلات ایران مربوط بحدود ٤٠٠٠ سال پیش از میلاد است و از روی آثار موجود چنین استنباط میشود که ازهمان ابتدا ساکنین گوشه و کنار نواحی مختلف ایران دارای تمدن وسیعی بوده‌اند بطوری که حتی درآخرین طبقه حفاری‌اشیائی که بدست میآید برخلاف انتظار مرحله مقدماتی تشکیل صنعت وتمدن‌را نمیرساند وبدینقرار درفلات ایران‌هنوز بآثاری‌برخورد نکرده‌اند که برساند مردم این سرزمین مانند مردم اروپا مدتی در غار ها و درون صخره‌ها

ظروف دارای لوله های طویل با لوله های شیپوری از این جمله بشمار میرود که برای انجام مراسم مذهبی درهنگام فوت بکار میرفته است (شکل ۱) روی بعضی از این ظروف بتقلید نمونه هـای مفرغی که در اطراف لوله آنها میخهای برجسته مفرغی بکارمیبرده‌اند یك رشته برجستگی مدور بر اطراف لوله آنها تعبیه نموده اند (شماره ۱۷۳ و ۱۸۲) نمونه‌های مفرغی این نوع ظرف در سیلك و لرستان کشف شده است (قفسه‌شماره ۵ظرف شماه۱۸۸ وشماره ۱۳۵۰ ـ قفسه شماره ۹ ظرف‌شماره ۱۳٤۹)

قفسه شماره ۲

محتوی‌آثار تپه‌های ماقبل تاریخی‌تخت جمشید متعلق به ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد :

نزدیك تخت جمشید بفاصله دوکیلومتری درجنوب کاخهای‌معظم شاهنشاهان هخامنشی دو تپه کوچك در جلگه مرودشت واقع شده که اهالی آنحدود آنرا بنام تل باکون میخوانند ـ پرفسور هرتسفلد درسال ۱۳۰۷ مدتها پیش از آنکه در تخت جمشید دست بکار خاکبرداری و عملیات علمی مفصل بشود قطعات سفالهای منقوش دوره ماقبل تاریخ را در آنجا بدست آورده بود در سالهـای بعد ضمن توقف و انجام عملیات علمی خود درتخت جمشید تپه های مزبور را نیز مورد کاوش قرارداده آثار ویرانه دهکده باستانی را کشف نمود که بواسطه حادثه نا گهـانی متروك و خراب گردیده بود چنانکه دیگها درخاکستر اجاق باقی مانده و ظروف دیگر در محل معمولی خود یعنی کنج اطاقها موجود بود

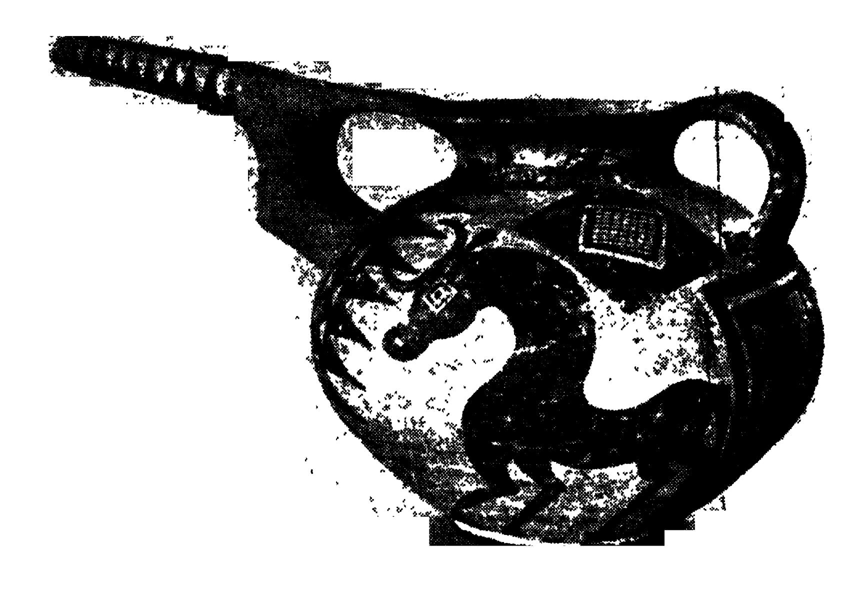
قسمت آنها مربوط بحدود چهار هزار سال پیش از میلاد و قسمت دیگر متعلق به ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است اطلاع درباره چگونگی تمدن ساکنین تپه سیلك بین سالهای ۲۸۰۰ تا ۱۱۰۰ پیش از میلاد محتاج بکاوش و تحقیق بیشتر در حوالی آنجاست.

ساکنین اولیه سیلك از وجود فلزات اطلاع نداشته اند و اشیاء مفرغی در قبر هائی که متعلق به سه هزار و کسری پیش از میلاد میباشد بدست آمده است از آنجائیکه در ضمن اشیاء مکشوفه در سیلك اسلحه کمتر بدست آمده میتوان چنین پنداشت که ساکنین آنجا مردم آرامش طلبی بوده بیشتر بکشاورزی و تربیت مواشی میپرداخته‌اند سلیقه و ظرافتی که در ظروف منقوش آنجا بکار رفته حاکی از ذوق سرشار و استادی صنعتگران باستانی میباشد (شماره ۳۹ و ۴۰ و ۴۳ و ۴۴) قریحه و ذوق این استادان در صنعت روی استخوان هم ظاهر گردیده بطوریکه شکل انسانی را بر روی استخوان ساخته اند (شماره ۱۳۸) ظاهراً ساکنین سیلك با کشور های همسایه روابط زیادی نداشته اند چنانکه تمدن بین‌النهرین بر روی آثار مکشوفه در سیلك اثر کمی بخشیده است بر عکس با قسمتهای دیگر فلات ایران روابط و داد و ستدشان بر قرار بوده شباهت اشیاء سیلك با ظروف و نقوش مکشوفه در تپه حصار دامغان دلیل بر این امر است - نمونه های زیاد این ارتباط و شباهت در قفسه بزرك مقایسه که در وسط ضلع شرقی سالن موزه است مشاهده میشود قسمت عمده ظروف و اشیاء سیلك از قبر های مربوط بدوره دوم بدست آمده بدینقرار متعلق به ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد میباشد

واین قسمت میرساند که براثر حادثه ناگهانی ازقبیل زمین لرزه یاحمله و هجوم دشمنان ساکنین دهکده باستانی مزبور بطور اجبار خانه ولانه خود را ترك گفته معجلاً فرار کرده اند از روی ظروف زیبا و نقوش برجسته ظریف روی آنها که در تپه های نامبرده بدست آمده معلوم میشودکه مردمی‌همعصر و هم زمان با قدیمترین دوره تمدن شوش یعنی حدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح مقارن شوش اول در آنجا و تپه های دیگر حول و حوش تخت جمشید که بعداً حفاری شده است میزیسته اند وحتی از نظر اینکه فلزات در این دو تپه خیلی کم بدست آمده میتوان احتمال داد که تمدن این مکان از تمدن شوش اول هم قدیمتر باشد - محلهای‌قدیم درجلگه مرودشت یعنی‌جلگه مقابل تخت جمشید متعدد بوده ازروی‌گمانه هائی‌که دربعضی‌نقاط آن احداث‌شده معلوم میگردد‌که جلگه نامبرده درادوار باستانی بسیار آباد ومسکون بوده است .

درقفسه‌کوچك پای دیوارمهرهای مسطح واستوانه‌شکل به‌معرض نمایش گذارده شده که قدیمترین آنها متعلق به بین ۳۵۰۰ تا حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد است - این مهرها و لولها غالباً در شوش بدست آمده برای نمودن نقش وخط آنها قالب‌گچی هریك تهیه وپهلوی مهرها بمعرض نمایش گذارده شده است .

درقفسه دیگر پای دیوار لول‌های مکشوفه درسرخ دُم (لرستان) و مهرهای ادوار مختلف بابلی و هخامنشی و ساسانی را در معرض نمایش گذارده اند .



شکل ۱

ظرف سفالی ازآثار مکشوفه در تپه سیلک کاشان

این سبك که موسوم به سبك شوش دوم باشد متعلق به ۳۰۰۰ الـی ۲۵۰۰ سال پیش از مسیح بوده (شماره های ۴۷۸ و ۴۸۸ و ۴۹۱) تقریبـاً شبیه و نظیر آن در تپه سیلك دیده میشود ـ ظروف مرمری بسیار ظریفی را که شبیه اشکال حیواناتاست ودر همین زمان وجود داشته بدون شك برای عطردان ساخته بوده اند .

ظروف قیری متعدد مکشوفه درشوش مربوط بعهد گودئا و اور سوم یعنی ۲۳۰۰ الی ۲۴۰۰ سال ببش ازمیلاد مسیح بوده نقوش برجسته و مجسمه های زیبـائی از اشکال حیوانات روی آنهـا تعبیه شده است (شماره ۵۱۱) ظروف ومجسمه های کوچك مرمری (شماره۵۳۳ـ ۵۲۶) و اسلحه های مفرغی وسنگهای قیمتی و مهره های طلا وعقیق و غیره نیز با این ظروف بدست آمده است (شماره ۵۶۶ و ۵۷۴) .

تاریخ سرزمین شوش درحدود بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سال پیش از میـلاد مسیح چندان روشن نیست تصور میرود در این مدت تمدن باستانی بین النهرین کاملاً بر تمدن عیلام تفوق وسلطه داشته است .

در هزاره اول پیش از میلاد تمدن و آبادانی بیشتر در سرزمین بین النهرین رونق داشته دولت آشور عظمت یافته است ـ آشور بانیپـال یکی از شاهان آشور شوش را تصرف و ویران نمود و پس از مدتی که سلسله هخامنشی در ایران مستقر گردید شهریاران این سلسله بر روی ویرانه های شوش پایتخت معظمی احداث کـرده بار دیگر آنـرا آباد و معروف ساختند .

قفسه شماره ۳

محتوی اشیاء و آثار ویرانه های شوش که از کاوشهای هیئتهای علمی فرانسوی در آنجا بدست آمده است .

قدیمترین تمدنیکه در شوش وجود داشته ممکن است مربوط به ۳۵۰۰ الی ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح باشد ـ مردمیکه آن‌زمان درشوش میزیسته اند برای اولین بار اراضی‌آنجا را مسکون‌ساخته و زندگانی نموده اند لکن این مردم بدوی و فـاقد تمدن نبوده اند و سرچشمه قدیمترتمدن ایشان را باید دریکی از نواحی‌کوهستانی‌آنحدود که هنوز کشف نشده جستجو و مشخص نمود .

مردمان مزبور ازوجود فلزات اطلاع‌داشته ضمناً اسباب وادوات سنگی و چخماقی و جدید نیز بکـار میبرده اند ظروف سفالی را بسبك معمولی کنونی بوسیله چرخ دادن گل باشکال مختلف در میاورده از الیـاف خرما نیز پارچه های ظریف میبافته اند ـ از اشیاء مکشوفه در گور ها معلوم میشود که عقیده بزندگانی پس از مرگ هم داشته اند ـ ظروف سفالی‌که پیدا شده بسیارظریف ومزین بنقوش هندسی وحیوانات و گل و بوته و غیره است (شماره ۴۱۲و۴۱۳)

در حدود سه هزار سال پیش از میلاد مسیح الواح‌گلی باعلائم خطوط بظهور رسیده‌که بنام ماقبل عیلام Proto - élamites خوانده شده است ـ در قسمت سفال سازی ظروف بلند مخصوص شوش اول‌که جنس آن ظریف بوده از میـان رفته نوع خشن تری از سفال با نقوش رنگین غیرظریف معمول میشودکه مانند ظروف شوش اول نقش واضح و روشنی ندارد .

دربالای همین قفسه ظروف سفالی ری بمعرض نمایش گذارده شده است قدیمی ترین این ظروف (قفسه شماره ۵ ظرف شماره ۲۶۳) درکاوشهای علمی دکتر اشمیت امریکائی در تپه چشمه علی ری شش کیلومتری جنوب تهران بدست آمده همدوره وشبیه با قدیمترین ظروف سیلک کاشان است (مربوط به ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد) .

ظروف سفالی قرمز رنك که دراین قفسه بمعرض نمایش گذارده‌اند مربوط بتمدن دوره دوم ری بوده غالب آنها با دوره شوش اول و اواخر دوره اول سیلك کاشان همزمان است (۳۰۰۰ الی ۳۵۰۰ پیش از میلاد) .

روبروی قفسه اشیاء نهاوند و ری نزدیك دیوار مجسمه شیرسفالی دیده میشود که ازشوش بدست‌آمده (شکل ۲)بعقیده آقای‌دمکنم‌مربوط بقرن ۲۲ پیش از میلاد مسیح است . (آقای دمکنم بعد از دمرگان ریاست حفاری شوش‌را بعهده داشت و تا سال ۱۳۲۵ شمسی باین سمت باقی‌بود)

قفسه شماره ۵

مربوط به مقایسه اشیاءِ مکشوفه در نقاط مختلف ایران :

اشیائیکه دراین قفسه دیده میشود طوری انتخاب و بمعرض‌نمایش گذارده شده که بطور واضح و آشکار شباهت اشیاءِ مکشوفه درمحلهای تاریخی و باستانی مختلف ایرانرا نشان میدهد شباهت این اشیاء چه از لحاظ کار وچه ازلحاظ‌صورت‌ظاهراً امراتفاقی نبوده میرساند که‌ازقدیمترین ادوار تاریخی بین نواحی مختلف کشور ارتباط صنعتی وفرهنگی برقرار

در دو قفسه کوچك پای دیوار قطعات ظروف و اشیاء مختلف مکشوفه درشوش بمعرض نمایش گذارده شده است .

قفسه شماره ۴

محتوی اشیاء و آثار مکشوفه در تپه گیان نهاوند وخرابه هـای ری متعلق به ۳۵۰۰تا۱۰۰۰ سال پیش از میلاد .

کاوشهای علمی تپه‌گیان نزدیك نهاوند در سال ۱۳۱۰و۱۳۱۱ ازطرف هیئت علمی اعزامی‌موزه لوور انجام گرفته است - در پائین‌ترین طبقه خاك آنهـا سفالهائی از نوع ظروف مکشوفه در تپه ماقبل تاریخی تخت جمشید و قدیمترین نمونه های ظروف شوش بدست آورده اند .

ظروف کامل و سالم در یك طبقه بالاتر کشف گردیده سبو هـای دهانه گشاد و گرد از آنجمله است کـه نقوش آنهـا به نقوش ظرفهای دوره دوم شوش شباهت داشته مربوط به ۳۰۰۰ الی ۲۵۰۰سال پیش‌ازمیلاد مسیح میباشد (شماره ۲۸۰و۲۸۲و۲۹۰) .

در دوره بعدی ظروف سه پایه (شمـاره ۲۷۰ و ۲۷۱) شبیه آنهائیکه در ارستان پیدا شده مشاهده میگردد ـ تاریخ تقریبی این‌ظروف بین ۱۸۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح میباشد .

پس از این دوره ظروف منقوشی بدست میآید کـه نقوش آن یك قسمت گل و بوته وقسمت دیگرنقوش هندسی بوده تاریخ‌آنها بین ۱۴۰۰ تا ۱۸۰۰ پیش از میلاد مسیح است (شماره ۲۵۹و۲۶۱) .

بوده است . ضمناً معمول بودن تزئینات و اشکال مشابه درنواحی مزبور بخوبی مشهود میگردد مثلاً دو شئی مفرغی که میتوان آنرا تبر یا گرز نامید آنکه بشماره ۸۶۰ است درشوش بدست آمده متعلق بحدود ۲۹۰۰ سال پیش از میلاد میباشد و دومی که شماره آن ۱٤۹۵ باشد قریب هزار سال جدید تر بوده درلرستان کشف گردیده است همچنین دوظرف شماره ۸٦۵ و ۸٦٦ هردو متعلق بحدود ۳۵۰۰ سال پیش ازمیلاد میباشدمنتها ظرف اولی درتل باکون نزدیك تخت جمشید ودومی درشوش پیدا شده است .

در قفسه های کوچك پای دیوار هم قطعات سفالهای گوناگون که درمحلهای تاریخی مختلف ایران بدست آمده بمعرض نمایش گذارده شده با ملاحظه آنها شباهت نقوش و تزئینات ظروف سفالی قدیم بخوبی مشاهده میگردد .

این قفسه‌های مقایسه بخوبی هم‌آهنگی تمدن ایرانرا با همه بسط و وسعتی که درهزاره چهارم پیش از میلاد داشته نشان میدهد .

پس از بازدید قفسه های مقایسه اگر قسمت وسط دوحیاط را ملاحظه نمایند آثار مکشوفه درلرستان را مشاهده خواهند نمود واگر مستقیم به طرف حجاری تخت جمشید بروند دنباله آثار ماقبل تاریخی موزه ایران باستان یعنی اشیاء مکشوفه درگرگان (استرآباد) ودامغان و آذربایجان را که درقفسه های جداگانه چیده شده ملاحظه خواهند نمود و نظر باینکه اشیاء مکشوفه درلرستان و تمدن وسیع آنجا ازلحاظ تاریخی بیش ازآثار نقاط دیگر بدوره هخامنشی نزدیك و مرتبط است لذا بهتر اینطور بنظر میرسد که دراین راهنما ابتدا بقیه اشیاء ماقبل



شکل ۲

مجسمه شیرسفالی که در شوش کشف گردیده است

استاد غلامعلی عتیقه جو که یکی از استادان قدیم حفاری است در سال ۱۳۱۶ بدست آمده بطورکلی از گل نسبتاً خشن قرمز رنگ یا سرخ روشن تهیه گشته از آن ظروفی شبیه به کاسه های بزرك (شماره ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۳) و پیاله ساخته بوده اند.

این سفالها تا حدی شبیه ظروفی است که توسط دکتر ا. اشمیت دراناطولی پیدا شده ومتعلق به ۱۵۰۰ سال تا ۱۲۰۰ سال پیش ازمیلاد مسیح میباشد از این شباهت اینطور استنباط میشود که در ادوار قدیم یعنی حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بین مردم ساوه و اقوام هیت روابط ممتدی برقرار بوده است وهمین نظر درباره ظروف متعددی که در آذربایجان کشف شده و ذکر آن خواهد آمد نیز صدق مینماید.

ظرف سفالی خاکستری رنگ (شماره ۶۱۱) شبیه ظروف خاکستری رنك مکشوفه در سیلك و تپه گیان با قطعات شمشهای مفرغی نیز در که دشت ساوه بدست آمده است.

قفسه شماره ۷

محتوی اشیاءِ مکشوفه درتپه حصار دامغان کاوشهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲

در نتیجه کاوشهای دکتر اشمیت در محل معروف به تپه حصار نزدیك دامغان مجموعه مفصلی از ظروف عالی و ظریف بدست آمده که قدیمترین آنها دارای نقوش هندسی است (شماره ۳۳۳) پس از آن شکل حیوانات برروی ظروف رسم شده (شماره ۳۲۰_۳۹۵) سپس اشکال حیوانات را طوری تغییر و تبدیل داده اند که تشخیص نمیتوان داد

تاریخ در سایر نقاط ایران توضیح سپس بذکر تمدن و آثار مکشوفه در لرستان پرداخته شود.

قفسه شماره ٦

محتوی اشیاء مکشوفه در تپه‌های معروف به تورنگ تپه و شاه‌تپه واقع در دشت گرگان متعلق به ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش‌ازمیلاد.

کاوشهای علمی که توسط هیئت علمی دانشگاه پنسیلوانی در سال ۱۳۱۰ در تورنگ تپه انجام گرفت و کاوشهای علمی دیگر که از طرف پروفسور آرن دانشمند معروف سوئدی در سال ۱۳۱۲ درشاه‌تپه بعمل آمد منجر به کشف ظروف سفالی خاکستری تیره رنگ بسیارظریف‌وخوش طرحی گردید (شماره ۳۰۰ و ۳۱۸).

این ظرفها متعلق بحدود ۱۵۰۰ سال پیش‌از میلاد مسیح بوده شباهت کاملی بظرفهای خاکستری رنگ مکشوفه در دامغان و تپه سبلك دارد.

درتورنگ تپه علاوه برظروف سفالی فوق‌الذکراسلحه مفرغی‌ویك عده مجسمه های کوچك ازگل سرخ ازنوع بتهای مورد پرستش‌ساکنین جزایر دریای اژه پیدا شده بدین‌لحاظ میتوان انگاشت‌که مردمان‌نواحی شمال حین عزیمت بنواحی ساحلی و جزایر دریای اژه ازجنوب دریای خزر عبور نموده مدتی در ناحیه گرگان سکونت داشته اند.

درقسمت بالای این‌قفسه اشیائیکه ازمحل موسوم به‌کله‌دشت‌نزدیك ساوه بدست‌آمده مشاهده میشود اشیاء مزبور ضمن کاوش تجارتی توسط

تمدن آخری آن میباشد و باحتمال قوی متعلق به قبائل نواحی شمالی است که ذکرشان گذشت در دو قفسه کوچك پای دیوار ظروف کوچك واسلحه ومهر ومجسمه های کوچکی که درتپه حصار بدست آمده بمعرض نمایش گذارده شده است.

قفسه شماره ۸

محتوی اشیاءِ مکشوفه درآذربایجان.

درآذربایجان تا کنون هیچ‌کاوش علمی انجام نگرفته لکن درنتیجه خرید بعضی اشیاءِ وحفاری تجارتی مفیدی که درنواحی غربی آذربایجان معمول گشته اطلاعات قابل توجهی از تمدن بسیار قدیم آنجا بدست آمده است.

بطوریکه ضمن اشیاءِ این‌قفسه ملاحظه‌میشود لوازم‌آرایش ازاستخوان (شماره ۶۶۸ و ۶۷۰) وسنگك چخماق متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد در آذربایجان کشف شده است سنگك سیاه (شماره ۶۷۵) شبیه به‌کیف زنانه دروسط قفسه دارای نقوش جالب توجه بوده ازاشیائی است که درهزاره سوم پیش ازمیلاد ساخته‌اند ودرتشریفات مذهبی بکار میرفته یقیناً به معبدی تعلق داشته است - ممکن‌است این شئی رادرحدود ۲۷۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش ازمیلاد مسیح دربین‌النهرین ساخته بعداً آنرا به آذربایجان آورده باشند - تمدن هیتها که درآسیای صغیر رواج داشته درحدود ۱۵۰۰ الی ۶۰۰ سال پیش ازمیلاد در آذربایجان نیز

(شکل ۳۳۱-۳٤٦) نکته قابل توجه اینستکه روی ظروف مکشوفه درتپه سیلك که درحاشیه چین خوردگی و فرورفتگی مرکز فلات ایران واقع است شکل پرندگان آبی (قفسه شماره۱ ظرف شماره ۱۰)نموده شده و بر روی ظروف تپه حصار که در پای کوهستان البرز واقع گشته غالباً شکل ببر و پلنك دیده میشود .

مردمان نواحی شمالی که باین حدود مهاجرت کرده اند بعداً با ساکنین اصلی تپه‌حصار مخلوط شده ظروف سفالی سیاه رنگی‌را که مورد استفاده شان بوده با خود آورده در آنجا هم معمول نموده اند (شماره ۳٦۳) نمونه‌های این طروف درتپه سیلك وتورنگ تپه و تپه‌گیان قبلاً مشاهده و شرح داده شده است - در این دوره از تمدن تپه‌حصار اشیاء مفرغی بطرز عادی معمول ومورد استفاده بوده لکن از وجود آهن هنوز خبری نداشته اند سنجاق مفرغی شماره ۳۹۲ که بر انتهای آن مجسمه کوچك یکنفر زارع درحال شیار بادوگاو دیده میشود شایسته دقت‌وتوجه خاص است .

درآخرین طبقه باستانی‌تپه حصارنکتهٔ که جلب توجه میکند اینستکه اشیاء مرمری وظروف مختلف وصفحات مرمر که روی پایه قرار داشته ازنظر امورمذهبی بکارمیرفته درعرض هم ودرهمان طبقه خاك پیداشده است - ظرف مرمری لوله دار (شماره ۳۷۳) وتنگ سفال ظریف‌وزیبا (شماره ۳٦۳) از نمونه های خوب این ظروف بشمار میرود ساکنین اولیه تپه حصاریقیناً بطوربدوی نمیزیسته دارای‌زندگی مسکونی بوده‌اند- اسلحه هائی که در آنجا بدست آمده (شماره ۳۹۱) مربوط بدوره

قفسه شماره ۹ وقفسه‌هـای طرفین آن

محتوی اشیاء مکشوفه درلرستان وکردستان

رشته کوهستانهای زاگرس شامل لرستان وکردستان کنونی درقدیم مقرطوایف معروف به‌کاسپی ها - کوسی ها - کاسیتها بوده است ودرهمان هنگام ظاهراً مدت زمانی تحت لوای حکومت عده از بزرگان آریائی قرار داشته که پیش ازمدیها وپارسیها بفلات ایران وارد ومستقرگردیده بودند وبطوریکه میدانیم اقوام متعدد آریائی قبل از آنکه مدیهاوپارسیها وارد ایران شوند (درحدود ۹۰۰سال پیش ازمیلاد) در داخل فلات ایران نفوذ یافته بودند.

اقوام کاسیت درمدت ٦ قرن ازسال ۱۷٦۱ تاسال ۱۱۸۵ پیش ازمیلاد ربابل نیزتسلط یافته بودند وبقایای موجود تمدن ایشان بیشتر به آثار ملتهای آسیای صغیر وبین النهرین شباهت دارد.

کاوشها و تحقیقات علمی اولین بار در خاك لرستان توسط آقای گدار مدیر باستانشناسی ایران بعمل آمده شرح آن درشماره ۱۷ مجله صنایع آسیائی مندرج است بعداً درسال ۱۳۱٤ آقای گیرشمن نماینده موزه لوور در محلهای باستانی معروف به تپه جمشیدی و بادره نزدیك نهاوند کاوشهای مختصری نموده ظروف سفالی از نوع ظروف مکشوفه در تپه گیان نهاوند و شوش بدست آورده دکتر اشمیت امریکائی نیز در سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ در کوه دشت نزدیك دلفان کاوشهائی انجام داد درنتیجه این حفاریها مقدار فراوانی اشیاء مفرغی بدست آمده که بندرت اشیاء زرین وسیمین هم بین آنها دیده میشد - اشیاء اخیرالذکر

نفوذ یافته آثار بارز این نفوذ بر روی آثار و اشیاء مکشوفه آنجا محسوس وهویدا است (ارتباط بین اشیاء مکشوفه در ساوه با آثار هیتها را سابقاً اشاره نموده‌ایم) برای نمونه دوظرف قرمز رنگ با نقوش رنگین (شماره ۶۳۱ و ۶۳۹) را ذکر میکنیم که با آنچه دکتر اشمیت ضمن کاوشهای خود در آلیشار واقع در اناطولی بدست آورده و متعلق به ۱۵۰۰ الی ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است شباهت کامل دارد.

ظروف سفالی مهم وخاکستری رنگ (شماره های ٦٣٤ و ٦٣٣ وغیره) که قابل مقایسه باظروف مکشوفه درسلك وتپه حصاربوده جنس آن خشن تر است و همچنین اسلحه مفرغی بسیار خوش ساخت و عالی (شماره های ٦٤٥ و ٦٤٧) درمیان اشیاء مکشوفه آذربایجان موجود وبهتر کیفیت تمدن باستانی آن دیار را معلوم میسازد لوحه مدورمفرغی دارای نقش گیلگامش (شماره ٦٥١) که دوحیوان وحشی را بادست گرفته مشغول رام کردن واهلی نمودن آنهاست محققاً زینت بخش وسط یك سپربوده میتوان گفت که درحدود قرن ۷ و ۸ پیش ازمیلاد درآذربایجان ساخته شده باشد.

اکنون که شرح اشیاء ادوار ما قبل تاریخی نقاط مختلف ایران گذشت بذکر آثار مکشوفه در لرستان و حدود کرمانشاهان (این ناحیه درتواریخ بنام زاکرس خوانده شده است) که درتالاربین دوحیاط داخلی به معرض نمایش گذارده‌است میپردازیم وپس ازآن آثار دوره هخامنشی موجود درموزه ایرانباستان را توضیح خواهیم داد.

ناحیه مزبورجهت پرورش اسب چندان مساعد نبوده ازقرارمعلوم مردم زراعت پیشه آرامش طلبی در آنجا سکونت داشته‌اند.

بطورکلی درجه قدمت این اشیاء بین حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد تادوره هخامنشی میباشد تزئینات آنهادرابتدا بشیوه صنایع بین‌النهرین بوده بعداً تحت تأثیر صنایع آشور قرار گرفته سپس جنبه نازك کاری و ظرافت آن زیاد تر شده دست آخر در صنعت درخشان عهد هخامنشی بکلی مستهلك گشته است وعلاوه براین قسمت پیدایش آهن و عمومیت یافتن آن باعث شدکه تهیه اشیاء وادوات مفرغی واسرارخاص این‌صنعت وسیع کاملاً متروك وفراموش گردد.

عهد هخامنشی از ۵۵۸ تا ۳۳۱ پیش‌از میلاد مسیح

دراواخرقرن ششم پیش ازمیلاد مسیح قوم پارس که یکی‌ازاقوام آریائی ساکن ایران بود دولت بزرگ وسیع ومقتدری درآسیا تشکیل‌داد حدود خاك این دولت برروی الواح سنگی وفلزی که درروی دیوارها احداث یا در زیر کاخهای آندوره نهاده شده بود ذکر گردیده است نمونه هائی از این الواح هم اکنون در موزه ایرانباستان موجود بوده شرح آن دراین راهنما خواهد آمد.

این دولت همان دولت معروف هخامنشی است‌که پایتخت ومرکز عمده آن یکی شهر پارسه معروف به تخت جمشید ودیگری شوش بوده است - اغلب اشیاء دوره هخامنشی‌که درموزه ایرانباستان بمعرض نمایش گذارده شده ازاین دومحل بدست آمده است.

توسط قسمتی از طوائف کاسیت تهیه میشده که به پرورش اسب جهت آشوریان مشغول بوده در این قسمت پیشرفت و توسعه زیاد نصیبشان گردیده است.

قسمت عمده اشیاء مفرغی مزبور در دشتهای مرتفع یعنی همان محلهائیکه رمه های اسبانرا نگاهداری و تربیت میکرده اند بدست آمده شامل آلات وادوات مختلف میباشد بین آنها اسلحه های گوناگون ازقبیل کارد و خنجر وسرنیزه وپیکان وسرگرزوتبرموجود است که مجموعه زیبائی ازآنها را دردوقفسه کوچك درقسمت آثارستان بمعرض نمایش گذارده‌اند.

قطعات مربوط به زین وبرگ اسب ازقبیل حلقه ـ آویز ـ زنگهای گردن حیوانات ـ دهانه‌های متعدد وهمچنین لوازم زینت مردم آن زمان مانند گردن بند وگوشواره ودست بند وآویز وسنجاق قفلی وسنجاقهای مختلف دردوقفسه کوچك دیگر این قسمت دیده میشود.

ظروف مفرغی مربوط بانجام تشریفات مذهبی یاغیر آن وبتهائی که مظهر الهه یا خدای بزرگ گله ها و مغلوب کننده حیوانات سبع یعنی پهلوان افسانهٔ معروف که گیلگامش مینامیدند ضمن اشیائیکه در قفسه بزرگ به معرض نمایش گذارده‌اند بنظرمیرسد.

تعداد زیادی هم سنجاقهای سر پهن دیده میشود که نذر معبد کرده بودند وروی صفحه سرآنها صحنه‌های مذهبی تعبیه شده است این سنجاقها بطور واضح تأثیر صنعت سومری را مینمایاند و عموماً آنها را در معبدی که در ناحیه کوهستانی کوه دشت واقع بوده بدست آورده اند



شکل ۳

قسمتی از نقش برجسته تخت جمشید درموزه ایرانباستان که ریزه‌کاری و ظرافت صنعت دوره هخامنشی را روی غلاف خنجر مخصوص داریوش مینمایاند .

درو حله نخست پس ازآخرین قفسه آثارماقبل تاریخی نقش‌برجسته سنگی بردیوار رو برو مشاهده میگردد - این نقش بر جسته ضمن خاك برداریهای سال ۱۳۱۵ درقسمت جنوب شرقی صفه تخت جمشیدبردیوار یکی ازحیاطهای کوچك زمان داریوش کشف گردیده است - دراین نقش داریوش براورنگ شاهی نشسته خشایارشا پسر و ولیعهدش پشت سروی ایستاده روبروی شاه یکی ازبزرگان کشور که از اهالی مد است بالباس مدی درکمال احترام وکرنش ایستاده پشت سرولیعهد دونفرازخاصان شاه ایستاده‌اند که نفردوم آنها اسلحه دار خاص پادشاه بوده باسلاح مخصوص شاه وجلدکمان وخنجر دیده میشود - درپشت سرشخص اخیردونفر نیزه دار ودرطرف مقابل یکنفرنیزه دارویك‌گماشته حامل ظرف عود بااسپند برای دوعدد عود سوزکه جلو شاهنشاه است ایستاده اند .

نقش غلاف خنجرمخصوص شاه‌که برکمراسلحه دار خاص‌شاهنشاه است برای تشخیص درجه استادی وظرافت‌کاری صنعتگران آنزمان‌نمونه خوبی بوده شایسته دقت وتوجه مخصوص میباشد (شکل ۳)

این مجلس حجاری درزیرنقش سایبان‌سلطنتی واقع بوده قسمتی ازنقش چنین سایبانی را روی قطعه نقش برجسته نزدیك پنجره (شماره ۲۰۰۲) بمعرض نمایش گذارده‌اند شاید قطعه نقش برجسته مزبورنیز در اصل بربالای همین حجاری بزرگ نصب بوده که بعداً بمحل دیگری درتخت جمشید انتقال یافته است .

بعد از نقش بر جسته بزرگ بر روی دیوار بدنهٔ کاشیکاری عهد هخامنشی دیده میشود (شماره۲۰۰۱) این بدنه کاشیکاری ازکاشیهائی

تا حبشه ازهند تا سارد که آهورامزدا بمن عطا کرده استاو که بزرگترین خدایان است آهورامزدا من وخاندان مرا پاس دارد. »

این الواح درون جعبه سنگی که هم اکنون پهلوی آنها است در زیرگوشه دیوار تالار مرکزی کاخ آپادانا داخل خشتهای دیوار بوده‌جعبه سنگی دیگری با الواح زر و سیم نظیر همین الواح در گوشه دیگر تالار مزبور بدست آمده است که اکنون درموزه سلطنتی نگاهداری میشود.

بعد از این قسمت چند قطعه نقش برجسته (شماره‌های۲۰۰۶- ۲۰۰۷-۲۰۰۸) بر روی دیوار نصب و نزدیك آن قسمتی از ازاره سنگی جلو ایوان کاخ کوچك داریوش (تالار آئینه) بمعرض نمایش گذارده شده است (شماره ۲۰۰۹) وپس‌از آن‌قسمتی از سرستون‌بزرگی که دارای سر انسان وتنه حیوان بوده با ریش مجعد و بلند دیده میشود برای اطلاع بیشتر از چگونگی وضع اصلی این قطعه سر ستون خوبست آنرا با سر ستون کامل وکوچکتری که دارای دو سرگاو بوده بر بالای ستونی از سنگ سیاه روبروی همین قطعه سر ستون در وسط تالارنصب شده مقایسه نمایند تا بهتر بتوان استنباط نمودکه قطعه سرستون نامبرده نیز در ابتدا دارای دو سر انسان در دو طرف بوده و بر بالای ستونهای بزرگتر کاخهای تخت جمشید قرار داشته است قطعه سرستون مزبور در ویرانه های ایوان جنوبی کاخ سه دروازه کشف و بموزه ایران‌باستان آورده شده است.

یکی از بهترین نمونه های ظرافت کاری و ریزه کاری حجاریهای تخت جمشید پلکان سنگی کوچکی است که در همین مکان پهلوی قطعه

خوب احداث نمودم بفرمان داریوش پدرم و به لطف آهورامزدامن این چیز ها را احداث نمودم آهورامزدا و همه خدایان مرا و پادشاهی مرا نگهداری کناد .»

بعد از این آثار درنزدیکی پنجره سه لوح سنگی با کتیبه مطول بزبانهای فرس قدیم وبابلی بمعرض نمایش گذارده اند مطالبی که روی آنها نگاشته شده نزدیك بیکدیگر بوده ترجمه تقریبی متن آنها ذیلاً نقل میگردد :

« خدای بزرگی است آهورا مزدا که این زمین را آفرید که آن آسمانرا آفرید که مردم را آفرید که بمردم آسایش داد که به خشایارشا پادشاهی داد یگانه پادشاه از میان مردم بسیار و یگانه فرمانروا ازمیان مردم فراوان من (هستم) خشایارشا شاه بزرگ شاه شاهان شاه کشور- های قبایل متعدد شاه این مرز و بوم پهناور که تا مسافت زیاد وسعت دارد پسر داریوش شاه هخامنشی پارسی و پارسی زاده آریا وآریائی نژاد

خشایارشا شاه میگوید بخواست آهورامزدا اینها کشورهائی است که بیرون از پارس من بر آنها پادشاهی میکردم بر آنها فرمانروا بودم آنها برای من باج میآوردند هر چه فرمان میدادم آنها عمل مینمودند امرمن برآنها جاری بود: مد - خوزستان (عیلام) - آراخوزی (رخج) ارمنستان - درانژین - پارت (خراسان) - آری - باختر - سغد - خوارزم بابل - آشور - سرزمین ساتاگادها - سرزمین سارد - مصر - یونانیان ساکن جزایر وساحل - مردم ماکا - عربستان - گاندارا - کشورهند - کاپادوکیه مردمان دها - سکاهای آمور - سکاهای تیزخود - سکودرا - مردم آکوفاکا پونتیتها - حبشی ها -

سرستون دارای سر انسان بمعرض نمایش گذارده شده است این پلکان درجنوب حیاط کوچك جنوبی کاخ سه دروازه واقع گشته وسیله ارتباط این کاخ با راهروی که بکاخ کوچك خشایارشا و کاخهای دیگر میرفته بوده است طرف خارجی دیواره پلکان نقوش سربازان هخامنشی که مسلح به نیزه و کمان و ترکش بوده و همگی دارای لباس متحدا لشکل میباشند نموده شده وطرف داخلی دیواره پلکان نقوش خدمتگزاران مخصوص کاخ درحال بردن غذا دیده میشود نقش خدمتگزاران درحال بردن غذا برای شاهنشاه موضوعی است که بر روی ازاره تمام پلکانهای کاخهای کوچك تخت جمشید بطور مکرر حجاری نموده اند .

قطعه کوچکی ازنقش برجسته سنگی شامل سر وکله یکنفر حبشی ازنمونه های نادر حجاری‌های تخت جمشید است که درآن سعی نموده‌اند قیافه اصلی یکنفر آنطور که هست نموده شود ـ نقش برجسته سنگی که طرف دیگر پلکان فوق واقع گشته بدنه آستانهٔ یکی از اطاقهای کوچك مغرب کاخ کوچك داریوش بوده که از محل خود به پائین تخت جمشید افتاده و شکسته شده روی آن صورت مردی در حال خفه کردن شیر با یکدست که بدست دیگر نیز دشنهٔ گرفته است دیده میشود ـ این نقش برجسته نمونهٔ از نقوشی است که بطور متعدد در آستانه های تخت جمشید حجاری گردیده است .

بردیوار بالای پلکان کتیبه کاشی بخط میخی بزبان فرس قدیم نصب گشته که ترجمه متن آن از اینقرار است .

«میگوید خشایارشا شاه بزرگ ازلطف آهورامزدا من بسی چیزهای

بزمان هخامنشی را بمعرض نمایش گذارده اند که اغلب آنها از تخت جمشید آورده شده است .

در وحله اول قسمت نسبتاً کاملی از یکی از کوچکترین ستونهای تخت جمشید در وسط تالار مشاهده میشود (شکل ٤) پایه و قسمت سرستون مطابق آنچه بوده در اینجا بمعرض نمایش گذارده شده لکن البته از ساقه ستون فقط یك قطعه برای نمونه ونمایش تمام ستون نصب گردیده‌است این ستون رویهمرفته درابتدا بیش ازهفت متر بوده بفرض یافتن تمام ساقه نمایش‌گذاردن آن با ارتفاع اصلی در موزه میسر نبوده بطوریکه گفتیم یك قطعه از ساقه آن برای نمونه انتخاب و نصب گشته است درتخت جمشید ستونهای زیاد به ابعاد خیلی بزرگتر وجود داشته (مثلاً قطر ستونهای دیگر تخت جمشید بیش از چهار و پنج برابر قطر این ستون بوده است) که چند عدد آنها هنوز سر پا باقی است .

برای نمونه و مثال قطعه سر ستون کوچك شکسته را (شماره ۲۰۱۵ مکرر) که هنگام آبادی و سلامت دارای دوسر شیر بوده کنار دیوار طرف راست روی یك ته ستون سنگی قرار داده شده است ذکر مینمائیم - اگر پنجه شیر این سرستون را با پنجه سنگی بزرگی که روبروی آن در طرف دیگر تالار بمعرض نمایش گذارده شده (شماره ۲۰۱٤) مقایسه کرده تمام سرستون بزرگ دارای دو سر شیر که این پنجه قسمت خیلی کوچکی از آنست در نظرمجسم نمائیم تا حدی‌میتوان بچگونگی سر ستونهای بزرگ تخت جمشید که بر بالای ستونهای عظیم آنجا قرار داشته پی برد - هم اکنون سیزده عدد از اینگونه ستونها

خشایارشا شاه میگوید هنگامی کـه من فرمانروا شدم برخی از این ملتها طغیان کردند آنوقت آهورامزدا مرا یاری نمود بخواست آهورامزدا من ایشان را مغلوب نمودم و ایشانرا بجای خود نشانیدم برخی دیگر ازاین ملتها دیوانرا میپرستیدند بخواست آهورامزدا معابدشانرا ازبیخ برکندم و فرمان دادم که دیوان را دیگر نپرستند آنجا که دیوانرا میپرستیدند من بپرستش آهورامزدا و آرتای بزرگ وادارشان کردم هرکاری که بد انجام گرفته بودمن آنرا درست کردم ـ آنچه من کردم تمامرا بخواست آهورامزدا انجام دادم . آهورامزدا مرا یاری کرد تا این کار را باتمام رسانیدم .

ای کسی که پس ازاین خواهی آمد اگر چنین اندیشی که میخواهی در زندگانی سعادتمند بوده هنگام مرگ با آرتا باشی در دستورهائی که آهورامزدا قرارداده استوار باش وآهورا مزدا و آرتای بزرگ را نیایش نما که هر کس در دستور هائی که آهورامزدا قرار داده استوار باشد و آهورامزدا و آرتای بزرگ را بپرستد در زندگانی سعادتمند بوده هنگام مرگ با آرتا خواهد بود .

خشایارشا شاه میگوید آهورامزدا من و خاندان من وکشورم را ازشرپلیدی حفظ نماید این است آنچه ازآهورامزدا التماس دارم آهورامزدا آنرا اجابت کناد . »

این الواح سنگی در سال ۱۳۱۶ در یکی از اطاقهای جنوب شرقی صفه تخت جمشید قسمت منسوب به سرباز خانه پائین کوهستان رحمت پیدا شده است .

پس از الواح در کنار و وسط تالار قطعات مختلف آثار مربوط

در کاخ آپاداتای تخت جمشید بر سر پاست (کاخ آپادانا جمعاً ۷۲ ستون که ارتفاع هر کدام ۱۷ متر بوده داشته است).

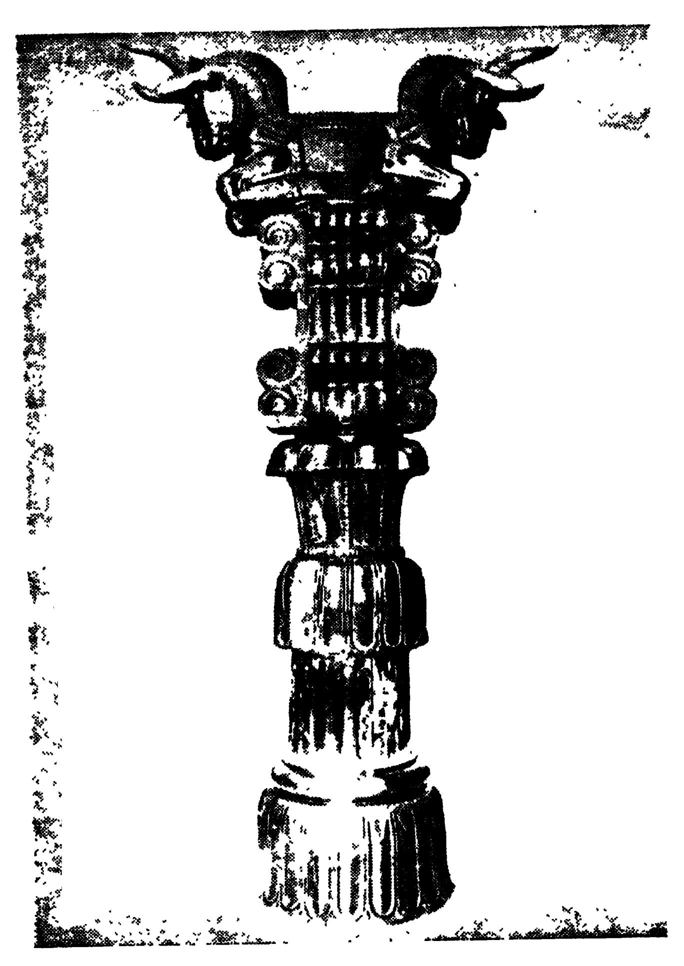
قفسه شماره ۱۰

در این قفسه اشیاء گوناگون دورهٔ هخامنشی که از نقاط مختلف بدست‌آمده بمعرض‌نمایش گذارده شده است بین آنها اشیاء زیر مشاهده میگردد :

مجسمه مفرغی کوچك بز کوهی (شماره ۲۱۷۲) که در سال ۱۳۲۲ برای موزه خریداری شده و از قرار معلوم در فارس بدست آمده است.

دو اسب کوچك مفرغی (شماره ۲۲۰۷) که سازنده آن حال تاخت و چهار نعل را بطور بسیار نیکوئی از کار در آورده است - این دواسب ضمن خاکبرداریهای تخت جمشید پیدا شده ودر ابتدا به‌عرابه پیوسته بوده که عرابه آن را بدست نیاورده اند.

سه عدد بشقاب نقره که قسمتی ازآنها با طلا زینت یافته وساخت آنها بسیار عالی است (شماره ۲۰۶۹و۲۴۲۰و۲۴۲۱) دوعدد این بشقابها که کارشان بیشتر بهم شباهت دارد درتخت جمشید پیدا شده‌است گردن بند طلای زیبائی (شماره ۲۹۲۲) که در بهبهان پیدا کرده اند ظروف کاشی و مرمری مختلف - آجر های کاشی که در ویرانه‌های شوش پیدا شده‌است - ورقه طلا دارای نقوش برجسته‌که روپوش یکی ازدرهای چوبی تخت جمشید بوده است (شماره ۲۱۷۳) خنجر بزرگك آهنی



شکل ۴

ستون عهد هخامنشی ازآثار تخت جمشید در موزه ایران باستان

آخرین نمونه آثار عهد هخامنشی موزه ایرانباستان مجسمه سه‌شیر مفرغی متصل بهم است که در قفسه کوچك مخصوص بعد از قفسه ظروف سنگی مصری دیده میشود - این مجسمه ظاهراً پایه گلدان یاچیزدیگری بوده و درهرحال جزء اشیاء نفیس و اثاثیه مخصوص تزئین کاخهای هخامنشی بوده که در تخت جمشید بدست آورده اند. در شکافهای پشت گردن و تنه مجسمه های مزبور که اکنون خـالی میباشد در قدیم زر یا سیم قرار داشته است.

آثار دوره اشکانی (۲۴۸ پیش از میلاد تا ۲۲۷ بعد ازمیلاد مسیح)

بطوریکه خوانندگان محترم کم و بیش اطلاع دارند در سال ۳۳۱ پیش از میلاد داریوش سوم آخرین شهریار دودمان هخامنشی مغلوب لشگریان اسکندر مقدونی گردید - اسکندر میخواست تمدن ایران را با تمدن یونانی توأم و مخلوط نماید و شهر هائی هم بنام خود در ایران ایجاد نمود لکن تقدیر با تدبیر او نساخت - چند سال بعد از فتح کشور شاهنشاهی هخامنشیان در بابل مریض شده فوت نمود - کشور پهنـاور وی مختل گشته بهم خورد لکن با این همه تمدن مشرق زمین تا یکی‌دو قرن اثراتی از تمدن یونانی‌را اقتباس نمود - مجسمه بزرك مفرغی که درشمی از توابع ایذه (مال امیر) در خاك بختیاری کشف گردیده نمونه از تمدن آنزمان ایران است که تأثیر تمدن یونان درآن مشهود میباشد - این‌مجسمه متعلق بدوره اشکانی بوده از بعضی جهات مخصوصاً سرآن سبك کارصنعتگران یونانی را نشان میدهد (شکل ۵) مجسمه مزبور با قطعات مجسمه های

منحصری که در تخت‌جمشید کشف گردیده‌است (شماره ۲۱۲٤) وزنه‌سنگی دارای نوشته بنام داریوش (شماره ۲۱۲۲) و زینت آلات زر و اشیاء مختلف دیگر .

درقفسه‌های کوچك نزدیك دیوارنیز اشیاء چندی ازدوره هخامنشی وعهد بابل جدید که بلافاصله پیش ازعهد هخامنشیان بوده بنظر میرسد در قفسه اولی چند ظرف سفالی و ظروف کار فنیقیه که از خمیر شیشه ساخته شده و ظاهراً جای عطر بوده است دیده میشود ـ کلیه این‌ظروف با مجسمه های کوچك حیوانات مختلف که در این قفسه گذارده اند در شوش بدست آمده است .

در قفسه دوم لوح نقره دارای کتیبه میخی بسه زبان دیده میشود (شماره ۲۲۱۲) این لوح ولوح دیگری از زر بهمین کیفیت درهمدان بدست آمده متن کتیبه آنها با الواح زر وسیم مکشوفه در تخت جمشید که شرح آنها گذشت یکی و عین یکدیگر میباشد. لوح زر همدان اکنون در موزه سلطنتی نگهداری میشود .

مجموعه از مسکوکات دوره هخامنشی نیز در همین قفسه بمعرض نمایش گذارده شده است .

بعد از این قسمت درقفسه شماره ۱۱ ظروف سنگی مختلف که‌تماماً در مصر ساخته شده و در تخت جمشید بدست آمده است دیده میشود سبوی بزرك آبی رنك که در وسط این قفسه دیده میشود ازلاجورد مصنوعی ساخته شده است بعضی از این ظروف دارای کتیبه بخط میخی و خط و زبان مصری (هیروگلیف) بنام شاهنشاه هخامنشی بوده است .

دیگر مفرغی که کم و بیش از این مجسمه کوچکتر بوده و سرهای مجسمه مرمری که ذکر خواهیم نمود در تپه نزدیك شمی که آرامگاهی مربوط بدوره اشکانی بوده کشف گردیده است .

سلسله ایرانی نژادی که بعد از اسکندر برایران سلطنت نموده همان سلسله اشکانی است که تسلط یونانیانرا از کشور ایران بر انداخت ولی نسبت به تمدن یونان نظر مخالفی نداشته بلکه سلاطین این سلسله خودرا محب یونان میخواندند و بدین لحاظ صنایع ایران در دوره اشکانی توأم با تأثیر ونفوذ تمدن یونان گردیده است .

قفسه شماره ۱۲

بعد از مجسمه مفرغی بزرك اشبائیکه در نقاط مختلف ایران بدست آمده وتماماً متعلق بدوره اشکانی است بنظر میرسد ـ بین آنها یك سرمجسمه کوچك زن (شماره ۲۲۱۶) که از تل زباب نزدیك فسا بدست آمده وهمچنین پای مرمری بسیار زیبائی که ازمرمر وکار یونان بوده درشوش پیدا شده است (شماره ۲۰۳۳) دیده میشود غیرازاین دوشئی آثار دیگر دراین قفسه هست که مستقیماً از یونان نیامده لکن پیروی کار یونانیانرا درصنایع دوره اشکانی بخوبی مجسم میسازد ـ سرکوچك زن (شماره ۲۰۸۹) که در شوش پیدا شده وسرمرد باریش مختصری که درشمی کشف گردیده (شماره ۲۰۸۷) هردوی آنها از مرمر و به سبك و تقلید کار یونانیان است ـ مجسمه کوچك مفرغی که آنهم در شمی پیدا شده (شماره ۲۰۹۰)



شکل ۵

سرمجسمه مفرغی عهد اشکانی که در شمی بدست آمده است

دوره ساسانی (٢٢٦ تا ٦٥١ پس از میلاد)

اردشیر بابکان در سالهای ٢٢٤ تا ٢٢٨ میلادی اردوان پنجم و پسرش ارتاوازاد آخرین شهریاران اشکانی را مغلوب ساخته سلسله ساسانی‌را که ازدودمان پاك و خالص ایرانی‌است تأسیس نمود در دوره ساسانیان که تا سال ٦٥١ بعد از میلاد امتداد یافته و منتهی به ظهور دین حنیف اسلام و فتح ایران بدست اعراب گردیده است آثار تمدن و آداب و رسوم بیگانه که در ایران معمول شده و مورد پسند ایرانیان نبود بتدریج منسوخ گشته از میان رفت و ملیت ایران واخلاق وعادات ایرانیان‌خصوصاً کیش‌قدیم‌ایران که‌بعقیده‌اردشیر بنای سلطنت‌ومملکت‌داری برآن استواراست احیا وتجدید شد - از لحاظ صنعتی نیزعوامل‌معماری و صنایع ادوار پیشین و باستانی ایران با صنایع جدیدی‌که در نتیجه‌غلبه اسکندر و حوادث بعدی آن وارد ایران و سایر کشورهای مشرق زمین شده بود آمیخته‌گردید وبمقتضای ارتباط ووسائل مادی وتأثیرصنایع‌مختلف کشور های دیگر صنعت دوره ساسانیان توسعه یافته کیفیت مخصوصی پیدا کرد.

براثر موقعیت خاص ایران که بین سه کشور معظم آن زمان‌یعنی روم شرقی وچین وهندوستان واقع شده بوداین‌کشور محل تلاقی‌وارتباط ذوق‌وقریحه صنعتگران‌مختلف‌گشته بگفته دارمستترجایگاه مبادله ذوق‌بشر بشمارمیرفته درمدت چهار قرن‌مرکز صنعت آن عهد بوده است‌بطوریکه درهررشته صنعت نقطه مبدأ و منتهای‌آنرا باید در ایران جستجو نمایند.

دارای لباس یونانی و کفش و شلوار بلند محلی از همان نمونه هائی است
که اختلاط صنعت ایران و یونان را نشان میدهد.

سر مرمری بسیار زیبا کار یونان نزدیك همین قفسه کنار دیوار
شرقی تالار بنظر میرسد - این سر در شوش بدست آمده سازنده آن آنتیوکوس
پسر در اباس بوده که نام خود را بخط یونانی بر روی تاج مجسمه نقر
نموده است بعضی دانشمندان باستانشناس بر اثر مقایسه این مجسمه باسکه‌های
دوره اشکانی چنین انگاشته اند که این مجسمه سر موزا زن فرهاد
چهارم باشد.

علاوه بر سر مجسمه فوق نیم تنه مجسمه مرمری دیگری نیز دیده
میشود که بخوبی کار یونان یاروم بودن آن هویدا است این نیم تنه‌را نیز
در العقیله خاك بختیاری کشف نموده‌اند - در همان طرف یك تابوت کاشی از آثار
دوره اشکانی برروی زمین بمعرض نمایش گذارده‌اند که در شوش بدست
آمده است.

طرف دیگر تالار پای دیوار قفسه های کوچك چندی است که در آنها
اشیاء مختلف دوره اشکانی و مسکوکات سلاطین این سلسله ملاحظه میگردد
چند قطعه اشکال انسان برروی صدف دربین اشیاء مختلف جلب نظر میکند
این قطعات صدف بر اثر حفاری اداره کل باستانشناسی در محل کشف مجسمه
مفرغی بزرك در شمی بدست آمده ظاهراً جهت تزئین جعبه یا چیز دیگری
شبیه جعبه بکار میرفته است.

در دامغان کشف شده بدست آمده است - از ویرانه های کاخ مزبور و کاخ دیگری که ضمن کاوشهای همان هیئت در چال ترخان نزدیک ری کشف گشته تزئینات گچ بری (شماره های ۲۶۰۳ تا ۲۶۰۹) که بر دیوار این قسمت موزه دیده میشود انتخاب و نصب گردیده است.

قفسه شماره ۱۳

مجموعهٔ ازظروف کاشی دوره ساسانی بمعرض نمایش گذارده اند که اغلب آنها در شوش کشف شده است در بین این ظروف نمونه های سیار جالب توجهی دیده میشود (شماره‌های ۲۵۳٤ و ۲۵۲۵).

در قفسه های کوچك پای دیوار اشیاء مختلف دوره ساسانی سکه های شهریاران این سلسله بمعرض نمایش گذارده شده است.

قفسه شماره ۱۴

نمونه های خوب ظروف سیمین عهد ساسانیان یابعد ازعهد ساسانی که بهمان سبك و با همان اصول فنی ساخته شده مشاهده میگردد - یکی از زیباترین آنها تنگ کوچکی است که در وسط قفسه بنظر میرسد (شکل ٦ - شماره ۲۵۰۰) این تنگ از نمونه های عالی ظروف نقره ایران در عهد ساسانی است که روکش طلا دارد شکل، و هیئت آن و نقش برجسته زیر تنگ که علامت مشخص‌دوره ساسانیان میباشد کاملاً میرساند که صنعت ایران دردوره ساسانی‌است لکن تزئینات روی بدنه ظرف معلوم میدارد که آنرا مخصوص یکی ازشهرهای یونانی

صنعت و تمدن ساسانیان درعین‌حال که عوامل ادوار قدیمتر ایران‌را حفظ نموده شامل تحولات جدید میباشد - مهمترین نمونه های صنعت معماری این دوره نیز مانند عصر هخامنشی در ابنیه سلطنتی آن زمان بوجود آمده است - سبك ساختمان همان شیوه خالص و قدیمی ایران یعنی احداث ایوانهای بزرك وتالارهای معظم بوده منتها در دوره هخامنشی ستونهای سترك والوار های بلند و قطور بکار میبرده‌اند و در دوره ساسانی چون این عوامل بسیار گران تمام میشده و بعلاوه با احداث ستونهای متعدد و الوار ها ارتفاع بنا و فاصله ستونها بیش از اندازه معین میسر نبود لذا در دوره ساسانی پوشش ایوانها وتالار های بزرك بوسیله‌طاقهای آجری و ضربی انجام میگرفته است و احداث طاقهای ضربی که به‌اقتضای وضع طبیعی ایران درعموم ساختمانها معمول و امر عمومی بود در کاخهای شاهنشاهان ساسانی به‌منتهای عظمت ورونق رسیده است تا آنجا که‌کاخهای شاهنشاهان ساسانی بعلت عظمت طاق وگنبد آنهادر پاره مواردازکاخهای شهریاران هخامنشی عظیمتر و سترکتر بوده است - بقایای کاخهای این شهریاران در فیروز آباد و سروستان و تیسفون وقصر شیرین و شاپور کازرون شاهد های گویا و مشهود این عظمت است - ستونهای ابنیه دوره ساسانی کوتاه وقطور بوده وبیشتر آنهارا با آجر ساخته روی ستون‌آجری‌را با گچ بریهای مفصل و متنوع زینت میداده اند - نمونه گچ بریهای روی ستونهای عهد ساسانی که در موزه ایرانباستان بمعرض نمایش گذارده شده (شماره های ۲۶۰۱ - ۲۶۰۲ - ۲۶۱۰) از ویرانه های کاخ ساسانی که ضمن کاوشهای هیئت علمی امریکائی بریاست دکتر اشمیت

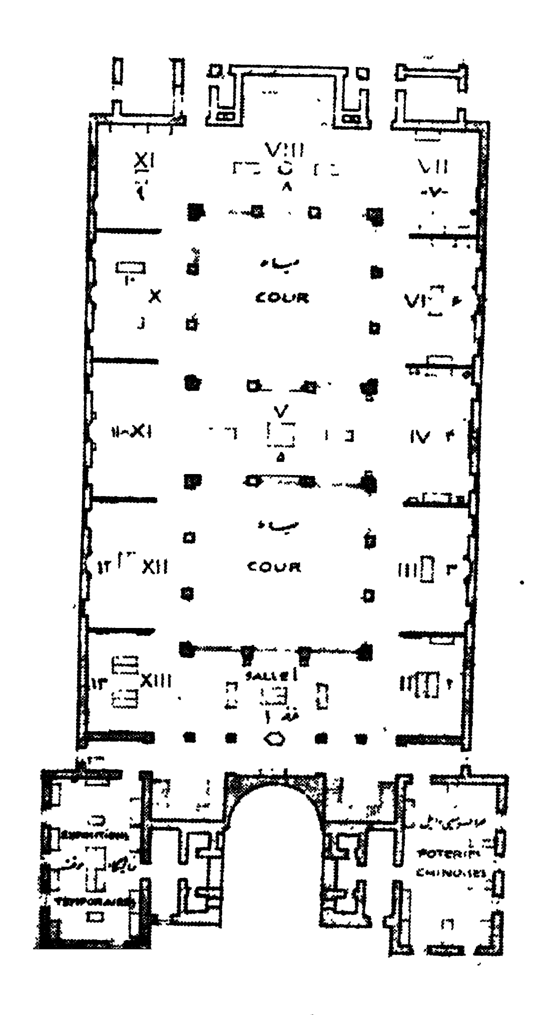
نشین سواحل دریای سیاه ساخته اند زیرا اهالی این شهر ها از بهترین خریداران ظروف نقره ایرانیان درعهد ساسانیان بوده اند و بهمین مناسبت نیز مجموعه بسیار بزرگ این ظروف در موزه ارمیتاژ لنین گراد تقریباً بدون استثناء درقسمت جنوب خاك روسیه بدست آمده است - این تنگ چند سال قبل از موزه گلستان بموزه ایرانباستان انتقال یافته ظرف پایه دار دیگرشبیه شیرینی خوری (شماره ٢٩٤٦) نیز درسال ١٣٢٣ از موزه گلستان بموزه ایرانباستان منتقل گشته و از قرار معلوم هردو ظرف مزبور در مازندران کشف شده است - ظرف بیضی شکل لب کنگره و بشقاب شکسته که شبیه یکی از شهریاران ساسانی برآن نقش شده (شماره های ٢٩٠٥ و ٢٩٠٦) درنزدیکی قزوین کشف گردیده است - جام بیضی شکل (شماره ٢٩٠٠) وسکهٔ که درون آن گذارده اند درناحیه رودبار پیدا شده است - قاب آئینه که از پشت بمعرض نمایش گذارده شده و مزین به نقوش گل و بوته است (شماره ٢٥٠٤) . هنگام احداث جاده چالوس پیدا شده از نمونه‌های بسیار ظریف و زیبای نقره کاریهای دوره ساسانی میباشد سایر بشقابها و ظروف نقره جزء اشیاء عتیقهٔ است که در مواقع مختلف برای موزه خریداری نموده اند و رویهمرفته مجموعه ظروف نقره دوره ساسانی درموزه ایرانباستان تماماً درسالهای اخیر بدست آمده وسابقاً هیچیك آنها در اختیار موزه ایرانباستان نبوده است .

ظرف شیشهٔ کوچك دسته دار شبیه گلاب پاش (شماره ٢٥١٩) از نمونه های بسیار نادر ظروف دوره ساسانی بشمار میرود - این ظرف باسکهٔ که پهلوی آن گذارده شده ضمن پی کنی دیواری درنهاوند بدست



شکل ٦

تنگ نقره عهد ساسانی



نقشهٔ اشکوب دوم موزه

آمده است - سالم ماندن این ظرف و خرد نشدن آنرا باید از تصادفات بسیارخوب دانست ضمن سایراشیاءِ قفسه مزبور مجسمه نیم تنه مرمری کوچکی دیده میشود که شبیه‌کارهای روم بوده درشوش کشف گردیده‌است.

قفسه کوچك دیگری درپای دیوار است که آخرین قفسه اشکوب اول میباشد - در این قفسه ظروف نقره بدل دیده میشود که اصل آنها درموزه ارمیتاژ لنین گراد (روسیه) است و این‌ظروف بدل باظروف بدل دیگری که درقسمت‌اسلامی بمعرض نمایش گذارده‌اند و جمعاً عده‌آنها بالغ بر ١٥ عدد میشود در موقع جشن هزار ساله فردوسی از طرف موزه ارمیتاژ بموزه ایرانباستان اهداءِ گردید است.

اشکوب اول موزه که شامل اشیاءِ وآثارادوارماقبل تاریخ تاانتهای دوره ساسانیان میباشد دراینجا پایان یافته پس ازآن نوبت بآثاردوره‌های مختلف اسلام میرسد که شرح آن درقسمت آثاراسلامی ذکر گردیده وبرای ملاحظه آنها باید به اشکوب دوم بروند.

ایران همان سیر اصلی وقدیمی خود را پیموده آنقدر ها تحت تأثیر بیگانه قرار نگرفت ـ این نکته مخصوصاً از این لحاظ بهتر مشهود میگردد که دراشکوب اول موزه ظروف نقره عهدساسانی باظروف نقره بعد ازآندوره نظیر وشبیه هم بوده دریك قفسه بمعرض نمایش گذارده شده است وهمچنین نقاشیها و ظروف دورهٔ سامانیان در اولین غرفه قسمت اسلامی شامل تصویر اسب سواری است که عیناً نقوش دوره ساسانی را نمودار میسازد.

ازنظر معماری بدیهی است بر اثر قبول دین اسلام درکشورایران بنیاد مساجد گذارده شد لکن در اصول معماری این مساجد و نقشه و روش ساختمانی آنها همان سنن قدیمی ایران بکار رفت .

با این ترتیب اصطلاح « صنعت اسلامی »که غالباً درکتابها ذکر شده است در مورد ایران تعبیر باین نمیشود که صنایع ایران در نتیجه ظهور مذهب اسلام تغییر یافته باشد بلکه شامل قسمتی از آثار تمدن ایران میشود که در دوره اسلام ایجاد گردیده است .

اشکوب دوم موزه درقسمت جنوبی دارای دو تالار جداگانه هم هست که یکی ازآنها را برای نمایشگاههای موقتی منظور داشته ودیگری را محل مجموعه ظروف چینی اردبیل قرار داده اند . و بیرون ازاین دو تالار آثار دوره های مختلف اسلام در غرفه های سراسر اشکوب دوم بمعرض نمایش گذارده شده است .

ترتیب چیدن اشیاء وتنظیم آثار اسلامی هم مانند اشیاء و آثار پیش از اسلام به ترتیب سیر وقدمت تاریخی آنها است بدین ترتیب که وقتی از پلکانهای جنوبی باشکوب دوم بیایند به اولین و قدیمترین آثار

راهنمای قسمت اسلامی

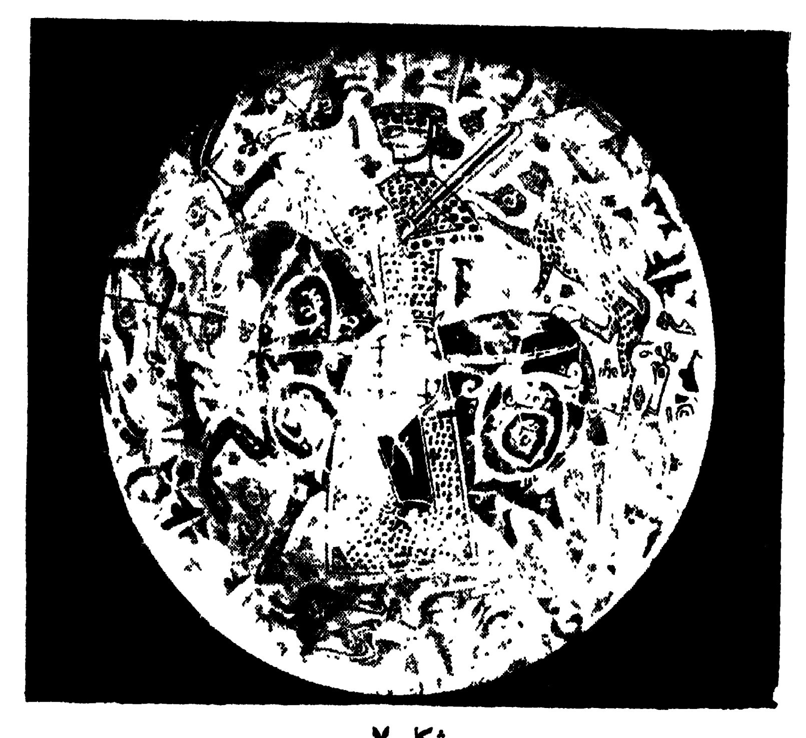
قبل از شروع بذکر اشیاء و آثار اسلامی در موزه ایران باستان بی‌مناسبت نیست مختصری ازچگونگی تحول صنایع وتمدن ایران درآغاز اسلام گفتگو شود .

پس از آنکه در نتیجه قدرت و شدت مذهب اسلام کشور ایران بدست اعراب افتاد وسلسله ساسانیان ازبین رفت با اسلام آوردن ایرانیان دورهٔ اسلامی تاریخ این سرزمین آغاز گردید .

از نقطه نظر سیاسی بین حکومتهای پیش از اسلام با بعد ازاسلام هیچ ارتباط وپیوندی وجود نداشت وعلی‌الظاهرترك وتازی ومغول بیش از ایرانیان بسلطنت این‌کشور نائل گردیدند - آئین قدیم ایرانیان یعنی کیش زرتشتی مغلوب دین حنیف اسلام شد بطوریکه عدهٔ فعلی پیروان آن در تمام خاك ایران ازبیست هزار نفر تجاوز نمیکند - زبان فارسی نیز به پیروی احتیاجات با زبان تازی آمیخته شد .

با همه این احوال وقتی ازنزدیك به صنایع وآثار ایرانیان دردوره اسلام توجه نمایند معلوم میگرددکه تمدن ایران باطناً وحقیقتاً چندان تغییر شکل پیدا نکرده بیش ازآنچه ایران در نتیجه سلطهٔ بیگانگان تغییر کند دیگرانرا وادار به‌تغییر نموده است - آئین زندگی تازه دراین‌کشور با آداب و عادات قدیم آن توأم و آمیخته گردیده پایدار مانده‌است .

در بارهٔ صنایع ایران بایدگفت‌که چون اعراب و ترکان ومغولان واجد صنعت چندانی نبودند که با خود بایران بیاورند لذا آثار صنعتی



شکل ۷

کاسه لعابی متعلق بدوره سامانیان

اسلامی موزه بر میخورند و چون از طرف راست غرفه ها را به ترتیب بازدید نموده کلیه سالن اشکوب دوم را دور بزنند دست آخر به غرفه سیزدهم که شامل آثار دوره قاجاریه است میرسند .

غرفه (۱)

بسیاری از اشیائیکه در این قسمت بمعرض نمایش گذارده شده نتیجه کاوشهای علمی هیئت اعزامی موزه متروپولیتن نیویورك است که از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ در نیشابور حفاری نموده اند - در کاوشهای مزبور نوع مخصوص ظروف کاشی مشرق ایران بدست آمده است وقفسه پای دیوار سمت جنوب شامل سه نمونه اعلی ازاین ظروف میباشد هرسه طرف مزبور متعلق بدوران سلطنت سامانیان (قرن چهارم هجری) بوده ظروف وسط (شمارهٔ ۴۳۲۵) ویکی ازدوظرف دیگر (شماره ۳۹۱۱) مزین بخطوط بسیار زیبا میباشد ودرظرف سوم (شماره ۳۹۰۹- شکل ۷) تصویر امیر اسب سواری را کشیده اند - نقش امیر با نقوش اطراف او شاهد آشکاری است که بخوبی ادامه صنایع عهد ساسانی را درقرون اولیه اسلام نشان میدهد .

درسه عدد ازقفسه های وسط این غرفه ظروف کاشی دیگر نیشابور که مربوط بدوره سامانیان است دیده میشود - در میان آنها شماره های ۳۰۷۰و ۳۱۴۰و ۳۱۴۱و۳۲۲۳و ۳۹۲۳ بیشتر شایان توجه مخصوص بوده ارتباط صنعت نیشابور را با چین و ترکستان در آنزمان میرساند - تنك شیشهٔ دارای خطوط کنده کاری بین ظروف نیشابور دیده میشود که

غرفه ۳

در این غرفه دو تابلو بزرگ ویك اندازه پشت قاب شیشهٔ بروسط دیوار جلب توجه میکند- یکی از این دو تابلو (شماره ۳۲۸۱) اصل نقاشی روی گچ متعلق بدوره سامانیان است که از لحاظ تاریخ صنعت ایران حائز اهمیت زیاد میباشد و متأسفانه بصورت خوبی باقی نمانده است- تابلو دیگر (شماره ۳۲۸۲) عکس همان تابلو اصلی است که آقای حسین میر مصور ارژنگی برای بهتر نمایاندن نقاشی اصلی قدیمی تاحد لزوم آنرا ترمیم و تکمیل کرده‌اند.

این تصویر از کاوشهای هیئت علمی موزه متروپولیتن نیویورك در تپه سبزپوشان نیشابور بدست آمده مانند تصویری که درظرف شماره ۳۹۰۹ شرح دادیم شکل امیری را سوار اسب در حال شکار نشان میدهد باز شکاری بر دست خود گرفته خرگوشی که امیر شکار نموده بر کنار زین آویخته است.

بدنه های گچ بری (شماره ۳۳۶٤) کـه زیر دو تابلو مزبور نصب شده نیز در تپه سبز پوشان بدست آمده ومانند نقاشی فوق حاکی ازادامه صنایع و طرح تزئینات عهد ساسانی درقرون اول اسلام میباشد.

در طرفین این گچ بریها سنگهائی دارای نقوش و خطوط کوفی برجسته بر دیوار نصب و بمعرض نمایش گذارده شده است.

دو قطعه سنگ طرف راست (شماره ۳۲۸۰) متعلق بمسجدی بوده است که توسط حسنویه آل برزکانی در حدود بین سالهای ۳٤۸ و ۳٦۹ هجری در محل معروف به سرمج یـا سرماج واقع در چند

از نمونه های خوب این صنعت بشمار میرود - بطوریکه گذشت ظروف نیشابور دارای خطوط کوفی بسیار زیبا و مختلفی است که در قفسه ها میتوان ملاحظه نمود.

درقفسه چهارمی ظروف قرن سوم هجری نقاط دیگر ایران چیده شده است - بین آنها بشقاب کوچك نازك و ظریف سبز و زرد رنگی است که ازشوش بدست آورده‌اند - بشقاب بزرگ طلائی (شماره ۳۰۵۰) در استخر و ظرف سفید تیره با نقوش گل و برگ لاجوردی (شماره ۳۰۷۱) درری بدست آمده از نمونه های جالب توجه ظروف اسلامی است.

نمونه های مسکوك سلاطین اسپهبدان مازندران و سامانیان و آل زیار که بطور خلاصه مربوط باوائل قرن دوم هجری تا آغاز قرن پنجم هجری است در قفسه وسط همین غرفه مشاهده میشود.

ظرف مسی بزرگ شش ضلعی دارای سه پایه وسه دسته که دراین قسمت دیده میشود بی شباهت بظرف جای آتش در آتشکده های دوره ساسانی نیست - این ظرف ازمسجد جامع گلپایگان بموزه انتقال یافته ظاهراً از آثار قرن سوم هجری میباشد - گنبد اصلی مسجد مزبور درزمان محمدبن ملکشاه سلجوقی (٤٩٨-٥١١ هجری) ساخته شده بنابر این ظرف فوق‌الذکر پیش از بنیاد مسجد جامع فعلی گلپایگان وجود داشته است.

از آجر دیده میشود این کتیبه که از بهترین آثار نوشته دوره سلجوقی بشمار میرود بالای دیوار های مشرف بانهدام و یرانه مدرسهٔ از ابنیهٔ خواجه نظام الملك وزیر معروف ملکشاه سلجوقی در قصبه روی در خواف خراسان باقی مانده و چون حفظ آن در محل اصلی عملی نبود از چند سال قبل باینطرف در موزه ایرانباستان نصب و نگهداری گردیده است قسمتهائی از آن طی قرون متمادی تدریجاً ریخته و از میان رفته است و آنچه فعلاً بدیوار موزه دیده میشود از طرف راست شامل عبارات زیر میباشد .

اعوذ بالله من الشیطان| الرجیم] . .. العادل نظ| ام | الملة قوام الد| ا
. . . . . . [حسن بن عل |ی ابن اسحق رضی امیرالمومنین اطال الله فی العز-
الدائم . . . . ه علی یدی الشیخ العمید الاجل السیّد سدید الدّوله . . . .

این کتیبه سابقاً در کتب بعضی دانشمندان نقل و ترجمه شده برخی کلمات آنرا غیر از آنچه ذکر نمودیم خوانده‌اند ولی باتوجه کامل ومشاهده عکسهائی که ازسابق در کتاب دیتز وغیره انتشار یافته تصور میرود آنچه فوقاً ذکر شد قطعی بوده تردیدی درصحت آن نباشد .

مهمترین موارد اختلاف قرائت کتیبهٔ فوق یکی کلمه **نظام** است که نصف اول کلمه موجود ونصف دوم حذف شده و بهمین جهت برخی دانشمندان آنرا **نصیر** خوانده بودند در صورتیکه اگرهم اکنون درقسمت موجود کلمه مزبور دقت شود معلوم میگردد که این کلمه **نصیر** نبوده و نمیباشد .

همچنین بعد از کلمه قوام نصف کلمه یعنی حروف الد موجود

کیلو متری مقابل کوه بیستون آنطرف رود قراسو ساخته شده اکنون بنای مسجد از میان رفته در محل آن آثار تختگاه سنگی بزرگ وساختمانهای سنگی از قرن چهارم هجری موجود ومشهود میباشد و بعداً بر روی آثار مزبور دهکده جدیدی احداث گردیده تخته سنگهای قدیم با نقوش و خطوط کوفی در دیوار ها و خانه های خشت و گلی آن بکار رفته و هم اکنون موجود است .

قطعه سنگ طرف چپ (شماره ٣٢٨٦) محراب سنگی قرن پنجم هجری است که در گوشه مسجد جدید و بی اهمیتی در میمه (بین قم واصفهان از راه نیزار) افتاده و شکسته بود و بمنظور حفظ و نمایش آن که از آثار زیبا و نفیس عهد سلجوقی بشمار میرود بموزه حمل و نصب گردیده است .

اطراف و وسط محراب بخط کوفی با ثلث آیات مختلف قران (آیة الکرسی - آیه اقم الصلوة - آیه شهدالله و غیره) بطور برجسته نوشته شده در نوشتهٔ بالای سنگ صانع محراب ابراهیم بن محمدبن علی معرفی گشته در زیر قسمت وسط محراب نیز نام همین شخص مجدداً ذکر گردیده است .

چند بدنه گچ بری دارای اشکال هندسی که در ری بدست آمده در طرف راست این غرفه بر دیوار نصب گردیده و بطوریکه ملاحظه میشود سبك آن با گچ بریهای سبز پوشان نیشابور اختلاف دارد - مقداری آثار مکشوفه در نیشابور و همچنین سکه های خلفای اموی و عباسی در قفسه وسط مشاهده میگردد .

بالای دیوار این غرفه کتیبه بزرگی بخط کوفی برجسته بسیار عالی

است - این محراب باسایر قسمتهای مذکوربحال خراب زیر برف‌وباران بردیواری بدون سقف وپوشش باقی مانده وسیله برای حفظ آن درمحل اصلی موجود نبود و چون از لحاظ باستانی وتاریخی اهمیت زیاد داشت درسال ۱۳۱۶ آنرا بهمان حال بموزه انتقال داده ونصب نموده‌اند - گچ بریهای این محراب وسایرقسمتها را میتوان بخوبی شبیه ودنباله نمونه‌های تزئینات دوره ساسانی دانست.

حاشیه بیرون محراب دارای نوشته کوفی گلدار شامل آیه قرآن (شهدالله انه لااله الاهو .... الخ) بوده در پیشانی محراب لوحهٔ بخط نسخ موجود است که کتیبه آن بشرح زیرخوانده میشود :

وقوموالله قانتین هذا عمارة المحراب العبدالمذنب علی بن‌شهرزاد الانصاری القزوینی فی‌جمادی الاخر سنة ثمان وعشرین وخمسمائه

(۲ کلمه هذا عمارة بصورتیکه در اصل کتیبه موجود است نقل گردید.)

قزوین و قزوان نامهای دیگر بوزان بوده خانواده انصاری هم از خانواده های بسیار قدیمی اصفهان است چنانکه میرزا سلیمان جابری انصاری درزمان شاه طهماسب اول ازوزراء معروف آندوره بشمارمیرود[۱] از این کتیبه بر میآید که محراب مزبور در سال ۵۲۸ احداث گردیده است و نیز میتوان احتمال داد که حاشیهٔ بیرون و لوحهٔ کتیبه در سال

۱ - دانشمند محترم آقای جلال همائی استاد محترم دانشگاه درخواندن متن این کتیبه و اطلاعات مربوط بآن همکاری فرموده اند .

است وعموماً تصورنموده اند این کلمه **الدوله** بوده بدینقرار بعدازعنوان **نظام الملة** عنوان **قوام الدوله** ذکر گشته بود ولی عکسی که سابقاً ازاین قسمت کتیبه درکتاب دیتزچاپ شده بخوبی مینماید بعدازحروف الد حرف ا با حرف ل ودنباله آن هم چند حرف کوتاه بدون سرکش وجود داشته مثلاً کلمه بعد از قوام را میتوان **الدائم** انگاشت که باین ترتیب عبارت مزبور **قوام الدائم** ..... باشد بهرحال آنچه درمتن فوق ذکر شده پس اردقت وامعان نظرکامل مرقوم گردیده قسمتهای محذوف که آثار موجود وجود آنرا تأیید مینماید بین الهلالین گذارده شده‌است .

درون قفسه در شمال این غرفه قطعه الوار بالای ایوان دارای بهترین نمونه کنده کاری روی چوب (شماره ۳۳۸۷) متعلق به‌بنائی ازقرن چهارم هجری واقع درقم بوده واز میان رفته است و این قطعه الوار از بقعه معروف به چهل اختران که بنای فعلی آن از آثار دوره مغول میباشد بموزه آورده شده است یك زوج درچوبی دارای خطوط کوفی و نقوش بر جسته کنده کاری در همان طرف نیز مربوط بقرن چهارم میباشد .

غرفه ۳

دراین غرفه گچ بریها و محراب نیمه خراب گچی و کتیبه آجری قسمت زیادی ازدیوارها را پوشانیده است .

محراب نیمه خراب دروسط غرفه و گوشوارها و حاشیه گچ بری که دردو گوشه غرفه نصب گردیده متعلق به امامزاده کرّاردربوزان اصفهان

هرون با عناوین و القاب و ادعیه معمول آن زمان روی آنها ذکر گردیده
است این ظروف تا چندی قبل در موزه‌کاخ گلستان بوده و بمناسبت نام
هرون که روی آنها نوشته شده ظروف ها رونی خوانده میشد - ظروف
نقره دیگری درهمین قفسه هست که جزء سری اهدائی موزه‌ارمیتاژ‌لنین‌گراد
واصل آنها دنباله ظروف نقره دوره ساسانی است که در قرنهای اول اسلام
هنوز رایج و معمول بوده و ظاهراً در آن زمان هم میساخته اند .

دریکی ازقفسه های دیواری ظروف بسیار زیبای کار آمل معروف
به گبری دیده میشود که متعلق بقرن چهارم هجری‌است ودرقفسه دیواری
دیگر ظروف مکشوفه در زنجان و آمل و نقاط دیگر متعلق بقرن چهارم
هجری بنظر میرسد وفانوس گچی که شیشه های گرد در چهار طرف داشته
جای آنها خالی و نمودار است درنیشابور بدست‌آمده شایسته دقت وتوجه
میباشد .

در انتهای دیوار طرف چپ در نسبتاً زیبائی از آثار قرن پنجم
هجری که در فارس بدست آمده بمعرض نمایش گذارده شده خطوط کوفی
شامل آیات قرآن وگل و بوته وتزئینات دیگر بر روی آن بطوربرجسته
کنده کاری شده است .

غرفه ۴

محراب کاشی بسیار نفیس و عالی در وسط دیوار این غرفه جلب
توجه میکند(شکل ۸) این محراب متعلق بامزاده علی بن جعفرمعروف
به در بهشت در قم بوده مقداری از آن را سابقاً ازدیوار بقعه علی‌بن‌جعفر

٥٢٨ تعبیه شده و اصل محراب قدیمتر از این تاریخ و مربوط بقرن چهارم باشد.

کتیبه آجری بالای محراب متعلق به مقبره منسوب به جنید در توران پشت نزدیك ابرقو بوده چون قسمتی از آن در سالهای پیش مفقود شده خود بنا نیز قابل تعمیر نبود لذا کتیبه آن درسال ١٣١٥ بموزه حمل گردید متن نوشته آن بشرح زیرخوانده میشود :

هذا مشهدالامیرالرئیس الاه ..... ابن ابی طاهر عماد بن العلی بن عبدالرحمن بعده الله برحمته و امر ببنائه ولده وای .... ادام الله تمکینه فی شهورسنة ثلث واربعین وخمس مائه عمل احمد بن الحسین ....

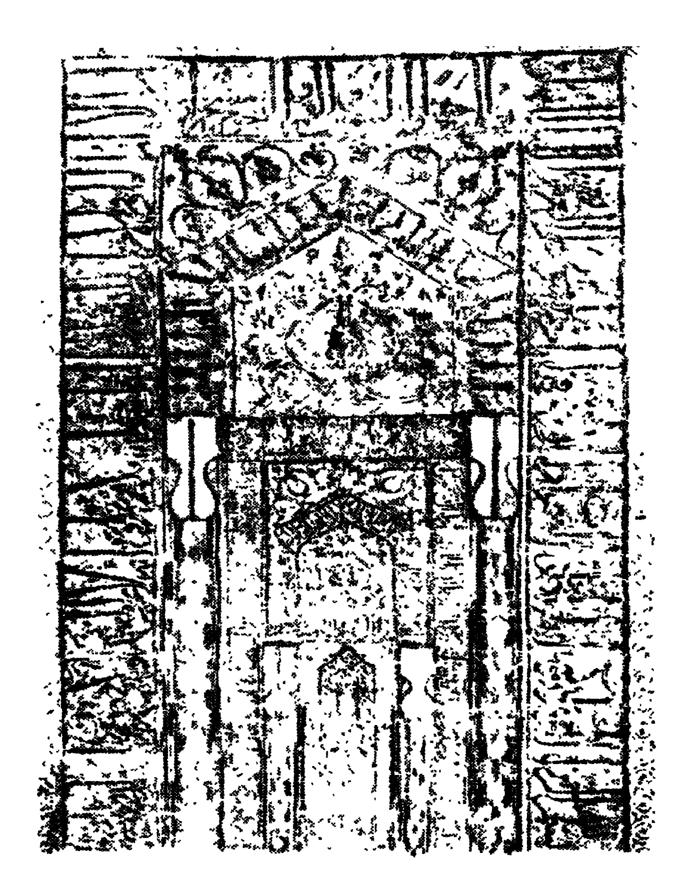
گچ بریهائی که در قسمت پائین دیوار در سه طرف غرفه نصب گردیده است (شماره ٣٦٢٧) ضمن پی کنی دیوار جنوبی کارخانه گلیسیرین در سال ١٣١٦ نمونه از آنها نمودار گردید ودر نتیجه کاوش اداره کل باستانشناسی معلوم شد محل مزبورمدرسه متعلق بدوره سلجوقی بوده پس ازخاکبرداری وحفاری گچ بریهای اطراف حیاط مدرسه ازمحل خود خارج وبموزه آورده شد بین آنها طرحهای مختلف ومتنوع ومحراب بسیارزیبائی دیده میشود که ترمیم نموده اند وقسمتهای ترمیم شده برنگ سفید نمایان است.

در قفسه وسط غرفه چند نمونه ظرف معروف به کبری (شماره ٣٢٦١ و ٣١٥٨) که درری بدست آمده وشایان توجه مخصوص است بامقداری ظروف نقره دارای حواشی خطوط کوفی بسیار زیبا دیده میشود که احتمال میرود مربوط بقرن چهارم هجری باشد نام امیر ابی العباس ولکین بن

شبانه کنده و دزدیده بودند وبقیه آن بوسیله آستانه حضرت معصومه ازمحل خود خارج و در خزانه حضرت معصومه نگهداری گردید و بعداً در سال ۱۳۱٤ ضمن تنظیم موزه قم محراب مزبور و مقداری کاشیهای ستاره و چلیپا شکل که متعلق بهمان بقعه بود برای نصب در موزه ایرانباستان در نظر گرفته شد قسمت سرقت رفته این محراب بوسیله گچ بری و نقاشی تعمیر گشته که بادقت مختصری تمیز داده میشود - حاشیه پهن دورمحراب بعد از ذکر بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شامل آیه ان‌ربکم‌الله‌الذی تاانه‌لایحب‌-المعتدین (آیه ٥٤ و ٥٥ از سوره ۷) بوده پس از آن تاریخ محراب ضمن این جمله قیدگردیده است و کتب فی غره رمضان سنه اربع و ثلاثین و سبعمائه (۷۳٤ هجری) در حاشیه آخر بن خشت کاشی یعنی همان خشتی که سال تاریخ بر آن نوشته شده این عبارت خوانده میشود:

عمل العبد یوسف‌بن علی‌بن محمدبن ابی‌طاهر کاشی

بهترین محرابهای‌کاشی که عده آنها انگشت شماراست بوسیلهٔ اخلاف همین ابی‌طاهر ساخته شده وامضای ایشان را دارد چنانکه علی‌پدر همین یوسف سازنده محراب‌کاشی معروف امامزاده یحیی ورامین است که‌سابقاً یکجا آن را از محل خود برداشته بخارج ایران برده اند و روی کاشیهای نفیس و محراب حرم حضرت رضا (ع) نام محمد ابن ابی طاهر و سال تاریخ ٦۱۲ ذکر گردیده ولی تا کنون کاشی و محرابی که بنام خودابی طاهر باشد بدست نیامده قدیمترین کار این خانواده مرقد نفیس وبی‌نظیر حضرت معصومه قم است که عمل محمد ابن ابی طاهر و همکار اوابو - زیدبطهٔ بوده مورخ بسال ٦۰۲ هجری است - آقای دکترمهدی‌بهرامی



شکل ۸

محراب کاشی ازآثار دوره مغول

مجاور علی بن جعفر در قم است که نام امامزاده و کتیبه های دیگر شامل آیات قرآن روی کاشیها نوشته شده سال تاریخ ندارد ولی نوع کاشی آن میرساند که مربوط باوایل قرن هشتم هجری و معاصر با محراب بزرگ است - بدنه کوچکتر (شماره ۳۲۸۹) ازدو خشت بزرگ تشکیل گردیده سوره‌های قدر واخلاص وکوثر (سوره ۹۷ و ۱۱۲ و ۱۰۸ قرآن مجید) روی آن نوشته شده روی خشت پائینی یکجا سنه ٦٦٧ به عدد ویکجا عبارت محرم سنه سبعین وستمائه خوانده میشود و البته روی یك خشت کاشی دوسال تاریخ بفاصله سه‌سال شایسته دقت و توجه مخصوص بوده شاید علت این اختلاف طرز نوشتن رقم ٦٦٧ به عدد هندسی باشد - بدنه گچ بری بلندی که متعلق بیکی ازلنگه طاقهای مخروبه مسجد مجاور بقعه تربت جام خراسان‌است در یکطرف غرفه بدیوار نصب گردیده نمونه از گچ بریهای زیبا و صنعت ظریف استادان این فن‌را در قرن هفتم هجری مینمایاند و در طرف مقابل قرینه آن بدنه کوچکی از آجر کاریهای مسجد فرومد (از توابع سبزوار در ۲۵ کیلو متری شمال کهك بین شاهرود و سبزوار) که آنهم از نمونه های ظریف اینکار در قرن هفتم هجری‌است بنظر میرسد و بطوریکه دیده میشود آجر های ٦ ضلعی کوچك دارای نقوش برجسته را در میان نقوش هندسی آجری کار گذارده‌اند قطعهٔ از خمره کاشی معروف بطلائی در گوشه همین غرفه بمعرض نمایش گذارده‌شده که در کاشان بدست آمده با همه نقص وکسر آن نمونه برجستهٔ ازصنعت کاشی سازی قرن هفتم هجری را نشان میدهد .

در قفسه‌های این غرفه بطور کلی اشیاءِ جالب توجهی دیده‌میشود

موزه دار قسمت آثار اسلامی موزه ایرانباستان در موضوع کاشیها و کار خانواده ابی طاهر مطالعات وانتشارات دقیقی دارندکه برای علاقه‌مندان باین موضوع از هر جهت مفید و جامع میباشد.

حاشیه باریکی دردوقسمت میان ستونهای کوچکتر و بزرگترموجود است که روی آخرین خشت آن سال ۷۱۳ قید گردیده میرساند که این حاشیه ۲۱ سال پیش‌از محراب موجود بوده ضمن ترتیب واحداث محراب آنرا مورد استفاده قرار داده اند بر روی حاشیه ۵ ضلعی اطراف پیشانی کوچك محراب صلوات بر چهارده معصوم که مشتمل بر نام صاحب‌الزمان وائمه دیگر باشد ذکر شده واین مطلب تاحدی علنی و ظاهر بودن تشیع را در موقع ساختن این محراب یعنی سال ۷۳٤ میرساند.

در طرفین محراب دو بدنه‌کوچك از کاشیهای ازاره علی ابن جعفر نصب گشته در بدنه طرف راست اطراف کاشیهای ستارهٔ سوره های قرآن و احادیث نبوی نوشته شده و درآخر کتیبه های آن اغلب تاریخ کتابت مذکور وعموماً مربوط سال ۷۳۸ هجری معرفی گردیده است - دریکجا عبارت زیر خوانده میشود:

کتب فی عاشرربیع الاخرسنه ثمان ثلاثین و سبعمائه بمقام کاشان بکار خانه سید السادة رکن الدّین محمد عمل استاد جمال نقاش - کتیبه دورکاشی‌های‌بدنه‌طرف‌چپ اشعار فارسی وعموماً بعضی‌ابیات‌شاهنامه‌است.

دو بدنه کاشی شبیه محراب که روی مرقد امامزاده ها بوده - یکی بزرگتر و دیگری کوچکتر - دردوطرف محراب بزرگ کاشی بدیوار نصب نموده‌اند - بدنه بزرگتر (شماره ۳۲۸۸)مربوط بیکی ازامامزاده‌های



شکل ۹

عود سوز معرغی ازآثار دوره سلجوقی

که عموماً مورد علاقه و کنجکاوی بینندگان واقع میگردد ـ این اشیاء مشتمل برظروف فلزی و شیشهٔ و زینت آلات مختلف زر و سیم وغیره است که تماماً متعلق بدوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان یعنی قرن پنجم و ششم هجری بوده مهمترین آنها بشرح زیر ذکر میشود :

کاسه فیروزه رنگ جای گل با هیئت جالب توجه مخصوص خود (شماره ٤٨٠١) که در ری کشف‌شده است ـ عود سوز مفرغی (شکل ٩) بشکل مجسمه حیوان شبیه شیر از آثار زیبا و بسیار نادر عهد سلجوقی که در گرگان بدست آمده است ـ عودسوز مفرغی بشکل کبوتر (شماره ٣٤٦٨) کار خراسان که برای موزه خریداری شده است ـ کاسه‌بزرگ مفرغی دارای نقوش کنده‌کاری (شماره ٤٨٠٣) کارخراسان ـ چراغ مفرغی بشکل‌موش (شماره ٤٨٠٤) که ظاهراً در ساوه بدست آورده‌اند ـ قاب قرآن طلا (شماره ٤١٢٨) که بهمراهی دسته خنجر زرین ونگین‌های زر بن چند یکجا درخراسان بدست‌آمده است ـ اشیاءاخیرالذکر درهمان قفسهٔ که قاب طلاهست دیده میشود ـ خلخال طلا که بعقیده‌بعضی دستبند بوده (شماره ٣٥١١) مکشوفه در ری ـ خلخالهای بزرگ و مجوف نقره (شماره ٣٤٩٣) از دیرزمان در موزه موجود و ظاهراً در کرمان بدست آمده است ـ انگشتر طلا (شماره ٣٥١٠) که خریداری شده محل کشف آن معلوم نیست ـ سه عدد النگوی نقره (شماره ٤١٢٧) مکشوفه در قاسم آباد نزدیکی کرج .

بطوریکه ذکر شد تمام این اشیاء متعلق بدوره سلجوقیان یا خوارزمشاهیان میباشد

ترقی خود رسیده است ـ پس از آن تأثیر صنایع چین که قبلاً هم کم وبیش درظروف لعابی ایران مشهود بود روبازدیاد میرود وهنرمندان ایران درآن هنگام بصنایع دیگر بیشتر اشتغال میورزند مخصوصاً درایالات شرقی ایران باحداث آثار معظم تاریخی و نمونه های برجسته معماری عالی ایرانی پرداخته و در تمام قسمتهای مملکت صنایع مربوط به کتاب یعنی مذهب کاری ـ تجلید ـ مینیاتور سازی وصنایع بافندگی از قبیل فرش وزری و غیرهٔ رواج پیدا میکند.

کمی پس از عهد تیموری یعنی دردوره صفویه ،از صنعت ظروف کاشی رونقی میگیرد لکن آنچه میسازند باز تقلید زشت وزیبائی ازظروف چینی است ـ چنانکه وقتی شاه عباس اول برای مقبره جد خود شیخ صفی خواست مجموعه مفصلی ظروف تهیه نماید صرفاً آنهارا ازظروف چینی انتخاب کرد ـ البته صنعت کاشی سازی برروی خشتهای کاشی و در معماری آنـزمان رونق خود را از دست نداده ترقی شایان نمود لکن در قسمت ظروف کاشی جنبه صنعتی ایرانی آن روبانحطاط رفت ـ بدینقرار میتوان قرن ششم و هفتمرا عالیترین دوره صنعت ظروف کاشی ایران دانست ـ پس از ذکر مقدمه بالا اکنون اجمالاً بشرح اشیاءِ درون قفسه های این غرفه میپردازیم :

درقفسه اولی ظروف مسین نقره کوب کار خراسان دارای تزئینات و خطوط کوفی و ظروف لاجوردی کارکاشان و شیشه های مختلف میباشد که ازآثارقرن هشتم هجری است ـ قفسه بزرگ این غرفه حاوی نمونه های قابل توجهی از ظروف کاشی مینائی و طلائی کار ری وکاشان وگرگان

در یکی از قفسه های این غرفه قرآنهای بسیار نفیسی بخط کوفی که مربوط باواخر قرن پنجم هجری است دیده میشود - یکی از این قرآنها دارای امضای علی‌بن ابی‌طالب میباشد که اهل اطلاع میدانند مقصود مولی امیرالمؤمنین علی (ع) نیست .

سنگ قبر جالب توجهی از سنگ خاکستری رنگ در کنار این غرفه دیده میشود که قسمت وسط آن بطرز محسوسی گودتر از حاشیه و اطراف آن بوده روی حاشیه بخط کوفی آیه زیر را نوشته‌اند :

الصّابرین و الصّادقین و المنفقین و المستغفرین بالاسحار شهدالله انّه لااله الاّهو والملائکة واولوالعلم قائما بالقسط .

در قسمت گود وسط سنگ پس‌از ذکر بسم‌الله و القاب و عناوین نام صاحب قبر ابوالفضل ابراهیم‌بن‌علی‌المعینی و تاریخ فوت که‌سیزدهم ربیع‌الاخر سنه ٦٠٠ باشد با اسم استاد سنگ‌تراش حسن‌نبی ذکر گردیده است - دیک سه پایه مفرغی متعلق بقرن هشتم هجری بنام محمدبن‌اسحق و دو هاون حلقه و دسته دار قرن هفتم هجری در گوشه های دیگر این غرفه‌بوده بشقاب ولگن مفرغی‌متعلق بقرن‌هفتم‌هجری بر دیوار نصب نموده‌اند که‌دارای نقوش کنده کاری عالی و عموماًاز صنایع خراسان‌میباشد

غرفه ۵

دراین غرفه‌که شامل قسمت بین دوحیاط است مقداری از نمونه های خوب‌ظروف ایران درقرن ششم وهفتم هجری دیده میشود- اصولاً در این دوره صنعت کاشی سازی و ظروف مینائی و طلائی ایران باوج

شیخ الاسلام ابوالفتح محمد از اخلاف شیخ الاسلام احمد جام در سال ٦٥٤ هجری آنرا برای مزارشخص اخبرکه جدوی بوده ومزارش همان بقعه تربت جام کنونی میباشد وقف نموده است .

ترجمه وتفسیر این قرآنها ازگنجینه های بی نظیر نثرفارسی بشمار رفته امید است روزی تمام متن آن عیناً باهیئت ورسم الخط اصلی چاپ ومنتشر گردد که این خزانه گرانبهای زبان فارسی مورد استفاده علاقه مندان واقع شود .

آقای دکتر مهدی بیانی رئیس کتابخانه ملی تحقیق فاضلانهٔ درباره این قرآنها وتفسیرآن نموده مقاله جامع وبسیارسودمندی درشماره ۷ سال اول مجله پیام ،وصفحات ٤٤ـ٤٧ منتشرساخته‌اند ومطابق تتبع ایشان تفسر مزبور نسخه منحصر بفرد کامل تفسیر سور آبادی تألیف ابوبکر عتیق بن محمدالسور آبادی است وشاید نسخه اصل آن باشدو بطوریکه اشاره کردیم حقاً جا دارد بچاپ دقیق کامل تمام ابن تفسیر هرچه‌زودتر مبادرت بشود بدیهی است در این راهنمای اجمالی بیش از آنچه‌ذکرشد نمیتوان در باره این اثر بی نظر تاریخی توضیح داد .

نمونه‌هائی ازسکه‌های آل بویه‌وغزنویان وسلجوقیان‌وخوارزمشاهیان هم در یکی از قفسه های کوچك همین غرفه بمعرض نمایش گذارده شده است در قفسه های کوچك دیگرکاشیهای متعلق بمحراب وازاره بنا که‌بطور متفرق بدست آمده بمعرض نمایش گذارده اند .

در قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است که ترقی و پیشرفت صنعت مینا کاری و ساخت ظروف کاشی طلائی را در اواخر عهد سلجوقیان و دوره خوارزمشاهیان نشان میدهد و بین آنها آفتابه بسیار خوشرنگ مینائی شماره ۳۰۹۸ و دوری مجلس دیوانی شماره ۳۱۸۱ مورخ بسال ۶۱۶ کار ری وکاسه مینائی طلائی شماره ۳۲۰۰ که بهمین صورت در کوه طبرك ری مجاور کارخانه سیمان پیدا شده و کاسه فیروزه رنك شماره ۱۱۶۲ که دارای نقش حیوانات ودر کتابها مکرّر ازآن گفتگو شده وکاسه سفید رنگ باد وتصویر چینی که بین آنها درختی قرار دارد و مورخ به‌سال ۶۵۴ هجری است وکاسه‌های نوشته‌دار مختلف کار ری وظروف متعدد کار گرگان و مجسمه فیل لاجوردی و ظروف کاشی کار کاشان دیده میشود و اصولاً تمام اشیاءِ درون این قفسه‌ها درخور توجه و دقت کامل است.

در قفسه سوم ظروف سفالی و شیشه و ظروف کاشی دیده میشود که در نقاط مختلف بسبك ظروف کار کاشان و ری میساخته اند.

درقفسه‌های کوچك این قسمت یکجا چهار مجلد قرآن شامل یك جلد قرآن کامل بمعرض نمایش گذارده شده است - این قرآنها با تفسیر بی نظیر آن بخط محمد بن عیسی بن محمد بن علی نیشابوری لیثی بوده‌طبق اطلاعات مرقوم در آخر مجلد چهارم در سال ۵۸۴ برای مطالعه امیر غیاث‌الدین ابوالفتح محمد بن سام یکی امراءِ غور که ازسال ۵۵۶ تا ۵۹۹ هجری در کرمان وسیستان وقسمتی ازخراسان وافغانستان سلطنت کرده است تألیف گشته و مطابق عبارات مندرج در اول هریك از چهار مجلد

چند دیگر از قرآن مجید بوده متعلق بقرن هفتم هجری است کلمات زیر نیز روی خشتهای کاشیهای مزبور بنظر میرسد :

امر ببناهذالحد • • • • • • • • ل محمد بن ابی علی حبار فی محرم • • • • • • ستمائه عمل محمد .

در قفسه های دیواری این غرفه ظروف و کاشیهای بسیار زیبای دوره مغول بمعرض نمایش گذارده شده بین آنها ظروف لاجوردی اعلی (شماره های ۴۲۰۳ و ۴۲۰۴ و ۴۲۰۵) و کاشیهائی بهمان رنك (شماره ۳۵۳۶ و ۳۵۳۸ و ۳۵۳۹) که روی لعاب لاجوردی خطوط و تزیینات طلائی نقش شده جلب توجه میکنند این ظروف و کاشی ها در حفاریهای ساوه و رضا آباد از توابع ساوه بدست آمده است .

مجموعه از ظروف مفرغی دارای خطوط و تزیینات نقره کوب که از بهترین نمونه های این صنعت است در قفسه وسط این غرفه دیده میشود بین آنها آفتابه و لگن دارای امضای حمودالموصلی و مورخ بسال ۶۹۳ میباشد این ظروف مفرغی با ظروف و اشیاء بلورین که در قفسه پای دیوار همان غرفه گذارده شده دربوزونجرد همدان بدست آمده و متعلق بموزه سلطنتی کاخ گلستان بوده از آنجا بموزه ایرانباستان انتقال یافته است - روی ظروف بلورین مزبور مذهب کاری بسیار عالی دیده میشود - بین آنها لگنچه بلورین است که متأسفانه شکسته و قطعه آن در پاریس نزد یکی از تجار کلیمی موجود میباشد و در ته لگن این کلمات را بنام سلطان وقت نوشته اند :

غرفه ٦ که بعد از غرفه ۴ واقع است

دروسط غرفه محراب گچ بری بدیوار نصب شده است - این محراب از مسجد ویرانه در اشترجان اصفهان بموزه حمل گردیده کتیبه های مختلف خط ثلث و کوفی دارد در بالا جمله کل من علیها فان تا آخر بخط کوفی پائین آن سوره اخلاص (سوره ۱۱۲ قرآن مجید) بخط ثلث نوشته شده حاشیه اطراف قسمت اصلی محراب بخط کوفی شامل چند آیه از ابتدای سوره مؤمنون است - درحاشیهٔ منحنی بالای دهانه محراب سوره فاتحه نوشته شده درحاشیه داخل محراب بخط کوفی این حدیث را نگاشته اند :

قال النبی علیه السلام الدنیا مزرعة الاخرة

داخل محراب در یکطرف جمله عمل مسعود کرمانی و در طرف دیگر کلمات فی سنه ثمان و سبعمائه دیده میشود.

بدنه کوچك کاشیهای ستارهٔ و چلیپا شکل که طرف چپ محراب بدیوار نصب نموده اند مانند محراب مزبور متعلق بآغازقرن هشتم بوده تاریخ ۷۰۵ و ۷۱۰ روی دو عدد از کاشیهای ستارهٔ خوانده میشود و از مقایسه آنها با کاشیهای همین نوع در غرفه چهارم تغییر سبك خط و اختلاف رنك آمیزی رامیتوان بهتر ملاحظه نمود.

کتیبه کاشی فیروزه رنك شامل خشتهای بزرك با خط بر جسته که بالای دیوار این غرفه نصب نموده اند از بقعه معروف به بش‌قارداش دربجنورد خراسان بموزه آورده‌اند ولی اصولاً به بقعه مزبور تعلق نداشته ازمحل دیگر بآنجا آورده بوده اند - این کاشیها شامل آیة الکرسی وکلمات

چندی اززمان شاهان آل مظفر مخصوصاً در اصفهان ویزد احداث شده
از امراءِ تیموری نیز ابنیهٔ معظم ومتعدد درخراسان بیادگار مانده است
سایر صنایع ظریفه درقسمت اعظم ایران بحال رکود باقی بود تا دردوره
صفویه که مجدداً احیاء و تجدید گشت .

منبر بزرگ و زیبائی در غرفه ۷ دیده میشود که بدنه آن از آلت
ولقط منبت عالی تشکیل یافته از آثار صنعتی قرن هشتم هجری بشمار میرود.

این منبر از مسجد محقر خشتی که در دهکده سوربان (بخش
بوانات نزدیك ده بید در خاك فارس) واقع و بکلی فاقد اهمیت تاریخی
و صنعتی بود بموزه حمل و تعمیر اساسی گردید و از کتیبه روی محجر
درمنبر چنین برمیاید که مسجد جامع سوربان و منبر آن بامر خواجه
عزالدوله والدین مظفرالملك ازمحل ما ترك مرحوم خواجه رکن الدوله
والدین سعدبن صاحب السعید خواجه شمس الدوله والدین محمد درتاریخ
ربیع الاول سنه ۷۷۱ از هجرت نبوی ساخته شده است .

در منبت جالب توجهی که از حیث شکل وکار طرز خاصی بوده
شباهتی با سایر درها ندارد بر دیوار این غرفه نصب است - محل اصلی
این در معلوم نیست کتیبه کوچکی دارد که در نوشتن کلمات آن مختصری
اشتباه شده و آنچه خوانده میشود اینست : یا مسبب الاسباب یا مفتح
الابواب العبد الفقیر مرجان ابن عبدالله الحسینی عتیق ابراهیم الحکیم
بغتای فی تاریخ سنة اربع خمسین سبعمائه .

در قفسه های کوچك طرف راست جزوات قرآن با خط وتذهیب
اعلی مورخ بسال ۷۰٤ هجری و همچنین سکه های زمان ایلخانیان

عزلمولانا السلطان العالم العادل الم

صنعت مینای قوس قزح روی شیشه که روی این ظروف بلورین دیده میشود نیز در قرن هفتم و هشتم هجری درایران معمول بوده‌است.

یك فرمان بزرگ و یك فرمان کوچك بخط ایغوری بـر دیوار نصب شده فرمان بزرگتر - دارای مهر سلطنتی برنگ قرمز بوده متعلق بابوسعید بهادرخان ومربوط به اموال واملاك مسلمانان میباشد ودرسال ٧٢٠ هجری نوشته شده است.

فرمان کوچکتر در دیوار طرف دیگر نصب شده دارای مهرسلطنتی طلائی رنگ بوده متعلق بارغون‌خان (٦٨٣-٦٩٠) ومربوط به‌فوج هزار نفری (فوج بولاد و غیره) میباشد - شرح این فرمانها بقلم آقای پلیو دانشمند فقید فرانسوی درمجلد اول آثار ایران منتشرگردیده است.

غرفه ٧

این غرفه وغرفه بعدی بنمایش آثار دوره آل مظفر ودوره تیموری ایران اختصاص داده شده است و چون ایران در آن هنگام دستخوش جنگ وهجوم بود آثار زیادی ازاین دوره ها باقی نمانده وبهمین مناسبت در موزه نیز تعداد اشیاء این دوره کمتر موجود است - صنعت ظروف کاشی بی رونق بوده صنایع مربوط به کتاب و پارچه های نفیس نیز غیر ازعده معدود بزرگان خریدار نداشته است - تنها صنعت معماری در آن دوره رونق بسزائی پیدا کرد زیرا بنا های خراب زیادی بوجود آمده بود که باید تجدید واحیاءگردد ودر نتیجه این امر شاهکار های معماری

سلادنهای ساخت ایران از نظر شکل و رنگ کاملاً شبیه سلادنهای اصل میباشد اما ظرافت مخصوص واستحکام آنهارا ندارد - لکن صنعت کاشی کاری که درتزئین ابنیه بکارمیرفت درکمال ترقی وجلوه گری بوده وررونق یافته نمونه‌های اعلی کاشیکاری دوره آل مظفر وتیموری درابنیه آنزمان گواه این مطلب است . در یکی ازقفسه‌ها قندیل بلورین بانوشته‌های لاجوردی ونقوش عالی دیده میشودکه ضمن اشیاء آستانه اردبیل بموزه آورده‌اند - این قندیل ازاشیاء دوره تیموری است که درهرات بوده بعداً بتصرف شاهان صفویه در آمده است در کتیبه روی آن کلمات زیر تشخیص داده میشود :

مما عمل برسم المقر العالی المولوی الامیری الکبیر .....

علاوه برسلادنها وقندیل مزبور مقداری نمونه های دیگر ظروف و کاشیهای مربوط بقرن هشتم هجری دردو قفسه بزرگ این غرفه دیده میشود - در وسط غرفه ظرف بزرگ مفرغی با کنده‌کاریها ونقوش بسیار ریز و ظریف و خطوط زیبا بنظر میرسد که متعلق بخزانه شیخ اویس گورکانی ازسلاطین آل جلایر (۷۵۷-۷۷۷ هجری) است روی بدنه آن چهار کتیبه دارد که مضمون هر چهار کتیبه یکی بوده عبارات آنها مختصری با هم فرق دارد و برای نمونه کتیبهٔ که بخط درشت ترنگاشته شده در اینجا نقل میگردد :

مما عمل برسم خزانة السلطان الاعظم
الایلخان المعظم الخاقان
الاعدل الاکرم مالك رقاب الامم
معزالدنیا والدین شیخ اویس بهادرخان خلد ملکه

(دوره مغول) بمعرض نمایش گذارده شده است . صندوق کوچك مرقد که از امامزاده هفتاد و دو تن واقع در ساروق ازتوابع اراك آورده شده در طرف دیگر این غرفه ملاحظه میگردد که نام نصرت خاتون صاحب قبر و سال تاریخ صندوق یعنی ربیع‌الاول سنهٔ ۷۱۹ در کتیبه دور آن نوشته شده است .

بنابر این منبر ودر و صندوق چوبی این غرفه به ترتیب متعلق بسالهای ۷۷۱ و ۷۵۴ و ۷۱۹ هجری بوده واین زمان معاصر با موقعی است که آل مظفر درفارس و کرمان وآل جلایر درعراق سلطنت میکرده‌اند و سلطه ایلخانیان هم تا مدتی از این سالها باقی بوده است .

غرفه ۸

در این غرفه که ضلع شمالی طبقه دوم موزه را تشکیل میدهد ظروف و اشیاء دیگر مربوط بقرن هشتم و نهم یعنی دوره تیموری را بمعرض نمایش گذارده‌اند - مقداری ظروف چینی معروف به سلادن که رنگ زیتونی دارد و در ایران بدست آمده بین این ظروف دیده میشود که متعلق بقرن هفتم هجری (قرن ۱۳ میلادی) است چند ظرف بتقلید ظروف سلادن بهمان رنگ و بهمان شیوه در ایران ساخته‌اند که با مختصر دقتی بخوبی تشخیص داده میشود .

اصولاً دردوره تیموری سازندگان ظروف کاشی ایران سعی وافی درتهیه وتقلید ظروف چینی مخصوصاً نوع معروف به سلادن بکار بردند و با دقت در ظروف موجود در دو قفسه این غرفه مشهود میگردد که

کتیبه مزبور در خانقاه تفت بوده قسمتی از آن ریخته بود و چون در محل خود آنچه هم باقی مانده بود خراب میشد بموزه ایرانباستان انتقال یافت و پس از تعمیر و تکمیل نصب گردید و بطوریکه ملاحظه میشود از کتیبه های کمیاب قرن نهم هجری است .

بر دیوار دیگر این غرفه قطعه زری متعلق بهمان زمان یعنی اواخر قرن نهم هجری دیده میشود این زری از آثار دوره تیموری و صنعت هرات بوده از آستانه اردبیل بموزه انتقال یافته مانند بعضی اشیاء دیگر توسط شاهان صفوی باردبیل برده شده بود. نقش این زری شکل سیمرغ واژدها و اقتباس ازصنایع چین میباشد. نمونه‌هائی از کتابهای مختلف بامینیاتورهای این زمان در قفسه پای دیوار دیده میشود .

پائین کتیبه معرّق درمنبت کاری مورخ بسال ۸۴۶ هجری که سازنده آن استاد حسین‌بن استاد محمد است نصب گردیده طرفین آن دو محراب سنگ مرمری با کتیبه های قرآنی بر دیوار نصب شده که هر دوی آنها را از ابرقو بموزه آورده‌اند یکی از آنها مورخ بسال ۸۱۸ هجری بوده دیگری که کمی مایل بقرمزی است تاریخ ندارد و مربوط باواخر قرن نهم یعنی دوره تیموری بوده در محل اصلی خود علاوه برمحراب کار پنجره‌را میکرده نور ازپشت آن میتابیده شبستان مسجدرا بطرز بسیار دلنشینی روشن میساخته است .

آثار دوره تیموری و دوره های مختلف قبل ازصفویه در این غرفه ختم و آثار دوره صفویّه نیز ازهمین غرفه آغاز میگردد .

قرآن بزرگ جلد سوختهٔ اعلی که مذهبکاریهای بسیار عالی دارد

سکه های سلاطین تیموری وآل مظفر وچند عدد شمعدان مفرغی نقره کوب و مشبك با دو قطعه چوب کنده کاری که نوشتهٔ برجسته دارد اشیاءِ دیگر درون قفسه‌های این‌غرفه‌را تشکیل میدهد اطراف بدنه یکی از شمعدانهای مزبور نوشته زیر بطور مشبك تعبیه گشته است :

العز والاقبال الدائم و الامر النافذ و الملك الموید والعز المخلد والدولة القاهرة .

و بالای همان شمعدان نوشته زیر خوانده میشود :

العز لمولانا سلطان الاعظم مالك رقابالامم (بهمین طرز نوشته شده است) السلطان السلاطین .....

عبارات بالا که برای نمونه نقل شد در دوره ایلخانیان و تیموری معمول بوده آنرا روی ظروف و اشیاء مخصوص سلاطین مینگاشته اند و گذشته از سلاطین بطور کلی‌روی اشیاء و ظروف نفیس این کلمات‌را در شأن صاحب آن مینوشتند .

غرفه ۹

در غرفه‌نهم کتیبه کاشی معرق بسیار زیباو ظریف بخط ثلث سفید و طلائی و تزیینات فیروزهٔ و طلائی بر متن لاجوردی روی دیوار نصب گردیده و شامل چند آیه قرآن کریم بوده در آخر آن حدیث کوچك و سال تاریخ کتیبه بشرح زیر ذکر گشته است :

قال النبیّ صلی‌الله علیه وآله وسلمّ اذا اتحیرّتم فاستعینوا من اهل القبور کتبه محمود فی ۸۷٦ .

درردیف سایرآثار صنعتی آن عصر بمعرض نمایش ومورد مطالعه علاقمندان گذارد .

خوشبختانه در قسمت فرش موزه ایرانباستان دارای مجموعه جالب توجهی میباشدکه قسمت عمده آن از بقعه شیخ صفی در اردبیل و یا آستانه حضرت معصومه (ع) تحصیل شده است .

پس از ذکر این مقدمه اکنون بشرح اجمالی اشیاء غرفه دهم مبپردازیم .

قالیچه بسیار عالی (شماره ۳۳۰۵) که متأسفانه بوضع بسیار بدی باقی مانده از آثار زمان شاه طهماسب اول (۹۸۴ ـ ۹۳۰ هجری) تشخیص داده شده است ـ دوقالیچه دیگریکی سجادهٔ کار تبریز (شکل ۱۰ شماره ۳٤۰٦) که پهلوی همین قالیچه نصب است و دیگرقالیچه بزرك (شماره ۳۳۰٤) که بر دیوار روبرو بنظر میرسد نیز از آثار قرن دهم هجری بشمار میرود .

محراب مرمری که وسط دیوار غرفه نصب نموده اند (شماره ۳٦٦۱) از ابرقو بموزه انتقال یافته و مانند دو محراب کوچك غرفه پیشین علاوه بر محراب برای روشنائی درون مسجد نیز مورد استفاده بوده است .

در یکطرف محراب مزبور پارچه بزرگی دارای نوشته و تذهیب بسیار ریز و ظریف بر دیوار نصب گردیده (شماره ۳٤۱۰) که شامل آیات زیادی از قرآن مجید بوده از آثار منحصر بفرد زمان شاه طهماسب اول است ـ نام این پادشاه دروسط پارچه بخط طلائی نوشته شده پائینتر

در قفسه وسط غرفه ملاحظه میگردد این قرآن بخط نسخ عالی نوشته شده مورخ بسال ۹۸۹ یعنی اوایل سلطنت شاه عباس کبیر است کاتب آن شمس الدین عبدالله بوده درنوع خود از لحاظ بزرگی بااین نوع جلد و مذهبکاری بی نظیر و از آستانه اردبیل بموزه انتقال یافته است .

در قفسه های پای دیوار نیز نمونه هائی از تذهیب و جلد سوخته دوره صفوی دیده میشود و همچنین دو گلیم زربفت که بر دیوار دیگر این غرفه آویخته شده از آثار دوره صفوی و جزء اشیائی است که از آستانه اردبیل بموزه آورده‌اند .

غرفه ۱۰

غرفه های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و همچنین دو قفسه کوچك درغرفه شماره ۹ که قبلاً هم اشاره کردیم مشتمل بر آثار مختلف دوره صفویه است ـ بطور کلی در دوره مزبور رشته های معماری و فرش وزری بافی و مینیاتور ایران ترقی و رونق فراوان یافته ارتباط ایران در آن عصر با کشور های آسیا وبعضی کشور های اروپا نیز بیش ازپیش در نهضت صنایع این کشور تأثیر نموده است .

بین آثار مختلف درخشان عهد صفوی موزه ایرانباستان از لحاظ مینیاتور فوق العاده در مضیقه واقع شده است و در عوض کتابخانه کاخ گلستان مجموعه سرشاری از این مینیاتور ها داردکه با واگذاری یاامانت مقداری از آن ها بموزه ایرانباستان میتوان این نقیصه مهم را رفع کرد و نمونه های عالی مینیاتور را که در دوره صفوی باوج ترقی رسیده بود

ازآن نام یوسف الغباری نویسنده خطوط روی پارچه مرقوم رفته است.

طرفین پائین پرده در دوقسمت یکی ازحاشیه های داخلی عبارات زیر بخطّ ثلث زرّین نگاشته شده است:

طرف چپ: نذر حضرة شاهزاده عالم وعالمیان ابوالفتح بهرام بن شاه اسمعیل الحسینی الصفوی.

طرف راست: جهة روضه مقدسهٔ منوّره مطهّر خفتّ بالانوار-القدّسیة.

در محل دیگر پارچه پس از نقل سوره نصر عبارت زیر ذکر گردیده است:

اتمام پرده لطیف که بساعت شریف نوشته شده بتاریخ شهر صفر ختم بالخیر سنه ۹۴۵

درقفسه‌های بزرك وسط تالار ظروف مختلف وقندیلها وشمعدانهای مفرغی دیده میشود ـ ظروف مزبور تماماً در ایران ساخته شده بعضی از آنها تقلید ظروف چینی وبعضی دیگرخصوصاً دوظرف شماره۳۶۲۹ و ۳۴۱۵ تقلید ظروف آسیای صغیر است.

لوحه گچی معرق در طرف چپ محراب و یك جبه و دو لنگه جوراب ابریشمی وزری متعلق باواخر قرن دهم هجری وقطعات‌حاشیه‌های گلیم زربفت و پارچه های زری همان دوره در قسمتهای دیگر این غرفه مشاهده میگردد.



شکل ۱۰

قالیچه سجادة عهد صفوی

قرن یازدهم هجری بوده آنرا از مسجد کوچکی موسوم به مسجد مقبره (نزدیك باغ مقبره نادرشاه در مشهد) که اکنون رو بانهدام است آورده پس از مختصر تعمیری کار گذارده اند - سنگهای مرمر پائین محراب از مرمرهای یکی ازکاخهای فتحعلیشاه قاجار است که در نتیجه انهدام کاخ مزبور بموزه آورده شده برای ازاره محراب از آن استفاده نموده اند .

کتیبه کاشی معرق بالای محراب بخط محمد رضا امامی مورخ سال ۱۰۵۱ بوده متعلق بمدرسه التفاتیه قزوین است که در نتیجه عریض کردن خیابان و خرابی سر در مدرسه کتیبه مذکور را بموزه انتقال داده اند .

دو زری عالی در طرفین محراب کاشی در این غرفه دیده میشود که سوره نصر بخط نستعلیق بسیار شیوا روی آن بافته و بر تمام سطح زری تکرار شده است ؛

زری بزرك طرف چپ این غرفه که بشکل سجاده بزرك طرح ریزی شده (شماره ۳۳۱٤) از شاهکارهای این صنعت درایران بوده رنك آمیزی جالبی دارد که در وسط دارای طرح گل و بوته و در حاشیه مشتمل بر صلوات بر چهارده معصوم است - زری مزبور در زمان شاه عباس بزرك توسط زری باف معروف آنعصر استاد غیات یزدی ساخته شده است - دو قطعه زری طرفین آن (شماره ۳۳۹۳ و ۳۳۹٤) دارای اشکال انسان ازقطعات نادر و کمیاب زریهای دوره صفوی است .

در قفسه های دیواری این غرفه شمعدانهای بزرك مفرغی نقشدار از کار های اصفهان در قرن یازدهم هجری دیده میشود.

غرفهٔ ۱۱

در وسط این غرفه قالی بزرك نقش گل و بوته معروف بگلدانی در وسط سالن گسترده شده است ـ این قالی کار اصفهان و از صنایع قرن یازدهم هجری است و متعلق بمسجد کوچکی از آثار زمان شاه عباس ثانی در مجاورت حرم مطهر حضرت معصومه (ع) در قم بوده که پس از ترمیم و اصلاح فعلاً در موزه ایرانباستان بمعرض نمایش گذارده شده است .

بر دیوارطرف راست قالیچه ابریشمی اعلاونفیس کار تبریز درقرن دهم هجری دیده میشود (شماره ۳۳۰٦) که دروسط شکل ترنج ومنظره بوستان و درخت و گل و پرندگان دارد ودر حاشیه آن این اشعار بخط ستعلیق بافته شده است :

ای بر دوشك سپهر جایت — قالیچه چرخ زیر پایت
چون بر دوشك مربعت جاست — خورشیدی و چارمین فلك راست
قالیچه نشین چرخ چارم — در زیلوی چار گوشه‌ات کم
آراسته‌ات رکاب اجلال — قالیچه فتح و عز و اقبال
تا هست جهان جهان ترا باد — بر مسند دولتت بقا باد

درطرفین این قالیچه وقسمتهای دیگرغرفه زریهای مختلف وقطعات زری دارای اشکال گل و بوته و انسان و ترنج و غیره روی دیوار نصب گردیده که عموماً متعلق بقرن یازدهم و بیشتر آنها کار اصفهان میباشد بدیهی است آن موقع اصفهان مرکز مهم صنعتی ایران بوده کار گاههای بزرك قالی و زری بافی وغیره تحت نظر استادان فن درآن دائر بوده است .

محراب معرّق بسیار عالی که در وسط این غرفه نصب شده ازآثار

زیاد داشته نمونه هائی از آن در این غرفه موجود است که بذکر آن میپردازیم - قالیچه کوچك ابریشمی که در طرف چپ محراب نصب‌شده کار استاد نعمت الله جوشقانی و مورخ بسال ۱۰۸۲ هجری است - این قالیچه یکی از ۱۲ قطعه قالیچه کوچك آستانه های اطراف مقبره شاه عباس ثانی درقم بوده ۱۱ قطعه دیگر با قالی بزرك دو تخته دوازده گوش ابریشمی که از فرشهای منحصر بفرد دوره صفوی و فرش اصلی مقبره مزبور است . در موزه آستانه قم محفوظ میباشد .

قالیچه زربفت گل برجسته ابریشمی (شماره ۳۳۷۸) که بر دیوار طرف چپ این غرفه نصب گردیده روپوش قبرشاه عباس ثانی در قم واز قرار معلوم کار اصفهان میباشد این قالیچه از بهترین شاهکار های استادان بافنده فرش در اواخر قرن یازدهم هجری است .

نمونه‌های مینیاتور دوره صفوی‌من‌جمله کارعلیرضای‌عباسی‌و تزیینات مختلف چندی از آثار اواخر عهد صفوی ودوره زندیه درقفسه وسط این غرفه بمعرض نمایش گذارده شده است .

غرفه ۱۳

درغرفه سیزدهم که آخرین غرفه موزه باشد تابلو بزرك نقاشی روی دیوار جلب توجه میکند - این تابلو یکی از صحنه های اولیه جنك‌بین ایران و روس را درزمان فتحعلیشاه مجسم میسازد - عباس میرزا ولیعهد که فرمانده قوای ایران بوده دروسط تابلو سوار اسب بانیزه درحال حمله بفرمانده روس دیده میشود - اهمیت عمده این تابلوازاین بابت است که‌لباس

غرفه ۱۲

در طرف راست این غرفه یك جفت در منبت بسیار عالی دارای خطوط ثلث برجسته وگل و بوته‌های ظریف وزیبا بردیوار نصب گردیده که از بقعه چهار پادشاه لاهیجان بموزه آورده اند و از روی کتیبه های آن معلوم میگرددکه در زمان شاه عباس کبیر بدستور قاضی محمدخان سال ۱۰۱۵ ساخته شده است.

طرفین این دردوقالیچه سجادهٔ (شماره‌های ۳٤۰۵ و ۳٤۰۷) ازکار های تبریز در قرن یازدهم هجری که جزء اشیاء بقعه اردبیل بوده بر دیوار آویخته شده است (شکل ۱۰)

در قفسه دیواری اصطرلابهای دوره صفوی بمعرض نمایش گذارده شده بزرگتر آنها بنام شاه سلطانحسین و در ماه رمضان ۱۱۲٦ هجری باتمام رسیده است - محراب سنگی مذهبکاری (شماره ۳۲۷۳) متعلق به قسمت ویران شده مسجد گنج درکرمان از آثار قرن یازدهم هجری در وسط این غرفه بمعرض نمایش گذارده شده درطرف راست این محراب یك قطعه‌زری نفیس دارای تصویر بزرك انسان دیده میشود (شماره ۳۳۹٦) که متعلق بآستانه قم و کار اواخر قرن یازدهم هجری میباشد و هر چند براثر خرابی زیاد کاملاً تعمیر گشته لکن طرح عالی و ترکیب آن بحال اصلی باقی و پدیدار است.

در قفسه دیواری دیگر نمونه‌های ظروف چینی کار ایران درقرن یازدهم ملاحظه میگردد.

قالیچه های زربفت وابریشمی زمان شاه عباس ثانی شهرت وترقی

وقاب آیینه وقلمدان وغیره که ازمقوای خمیری ساخته وروی آنها نقاشی نموده‌اند و همچنین میانه قلیان وسرقلیان واشیاء وتزیینات مختلف دیگر نقره که روی آنها میناکاری نموده‌اند .

تصویری از لطفعلی خان شهریار زند درون یکی از همین قفسه ها بمعرض نمایش گذارده اند که اصل آن مربوط بزمان وی بوده حاشیه آنرا بعداً بآن الحاق کرده‌اند ودر کنار صفحه مینیاتور این عبارت‌نوشته شده است :

تمثال بی مثال نواب کامدار . . . . . نور دیده سلطنت ووکالت‌خان والاتبار لطفعلی خان زند ادام الله عمره سنین عمر شریفش بالغ بربیست ویك بود بداقل بهرام شیرازی سنه ۱۱۹۳

تالار اردبیل

اکنون بذکر ظروف چینی که از اردبیل بموزه آورده اند ودرتالارجدا گانه واقع درگوشه جنوب شرقی‌اشکوب دوم بمعرض نمایش گذارده اند میپردازیم .

برطبق مندرجات‌تواریخ دوره‌صفوی شاه عباس درسالهای ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ هجری دارائی‌غیرمنقول خود رابرای امورعام المنفعه‌اختصاص داد ودارائی‌منقولش‌را وقف کرد کتب عربی وفقه واینگونه مباحث را بر آستانه مقدس مشهد و کتب فارسی تاریخ و دیوان اشعار و اینگونه آثاررا با مجموعهٔ مفصلی ازظروف چینی بر آستانهٔ جد خود شیخ‌صفی‌الدین در اردبیل وقف نمود که درموارد اطعام بکار میرفت .

و اسلحه و وسایل مختلفی که در پیکار بکار میرفته و طرز محاربه‌آنزمانرا درارتش ایران وروس نشان میدهد این تابلو روی پرده نیست بلکه روی گچ و خاك کشیده شده در یکی از عمارات دوره فتحعلیشاهی که ضمن ساختمان کاخ جدید وزارت دارائی منهدم نموده اند قرار داشت‌وبرای حمل آن بموزه دیوارعمارت‌را طوری خراب‌کردند که نقاشی مزبور قطعه قطعه از محل خود خارج و بموزه حمل و نصب و تعمیر گردید و تنها اثری است که فعلاً از آن عمارت موجود مانده و مانع از میان رفتن‌آن توانستند شد - قسمت بالای تابلو که نقوش آن اهمیتی نداشت بواسطه عدم گنجایش در محل کنونی نصب نگردیده است .

بردیوار طرف راست درخاتم عاج ازخزانه بانك ایران سابق بموزه انتقال یافته از قرار معلوم باینیه سلطنتی عهد صفویه در اصفهان تعلق داشته است ـ دردیگر آیینه و خاتم کاری در همین غرفه‌است که منسوب بدوره زندیه و در یکی از عمارات مجاور تالار تخت مرمر کاخ گلستان نصب بوده از آنجا بموزه آورده‌اند - دردیوارطرف چپ در تمام خاتم‌بسیار عالی متعلق بدوره ناصرالدین شاه که در یکی از اطاقهای فرعی‌امامزاده‌ زید تهران بوده بمعرض نمایش گذارده شده است .

درقفسه‌های وسط این تالارفعلا آنچه بیشتر بنظرمیرسد نمونه‌هائی از صنایع ظریفه دوره قاجاریه است که تا وقتی عمارت نیمه تمام موزه مردم شناسی‌تکمیل و درآنجا آثار متعدد دوره قاجاریه بطور کامل‌بمعرض نمایش گذارده شود در غرفه آخری موزه ایران باستان کم و بیش باقی خواهد بود این نمونه‌ها عموماً عبارت است ازمینیاتور. ونقاشی روی‌جلد

به سلادن است و ظروف عقیق و یشم که از لحاظ صنعتی بسیار جالب توجه و عالی میباشد قدیمتر ازسایر ظروف بوده تاریخ ساخت آنها قرن هشتم و نهم هجری و حتی برخی ازآنها ممکن است پیش ازآن‌هم ساخته شده باشد .

این ظروف دردو قفسه طرف چپ درورودی تالار اردبیل (هنگام ورود) ملاحظه میگردد و بهترین ظروف مجموعه چینی خانه اردبیل بشمار میرود .

ظروف دیگر برنگ سفید ساده بوده یادارای زمینه سفید ونقوش آبی رنگ است بطور کلی دردوره سلسله سلاطین چین معروف بهمینگ یعنی از قرن نهم تا اواسط قرن دهم و نزدیك بزمان سلطنت شاه عباس تهیه شده و قسمت اعظم ظروف مجموعه اردبیل را تشکیل میدهد .

برروی بعضی از آنها نام بهبود دیده میشود که از غلامان سلطان حسین بایقرا بوده است .

ظروفی که در قفسه آخری واقع در گوشه جنوب شرقی تالار اردبیل ملاحظه مینمایند و برنگ قرمز و رنگهای دیگر نقاشی شده ازسایر ظروف جدیدتر ومتعلق باواخر قرن دهم هجری مقارن با آغاز سلطنت شاه عباس میباشد .

برروی‌تمام این‌ظروف مهر چهارگوشی حك شده‌که شامل‌عبارت زیر است :

وقف برآستانه شاه صفی نمود بنده شاه ولایت عباس

قسمت اعظم کتابهای تاریخی و اشمار که در اردبیل بوده فعلا درموزه ارمیتاژلنین گراد نگهداری میشود ومجموعهٔ ظروف چینی فوق الذکر شامل یکهزار ودویست وبیست و یکعددظروف مختلف از قبیل قاب وقدح وکاسه و پیاله و گلدان و سبو و حقه های مختلف و آفتابه و صراحی و تنگ و فنجان و نعلبکی و غیره بوده که چند عدد هم ظروف مختلف عقیق و یشم درمیان آنها وجود داشته است ومحمد حسین نام حکاك خراسانی سرآمد حکاکان زمان برروی تمام این ظروف وقفنامه نوشته و کنده است و در عمارت مخصوصی بنام چینی خانه که برای این ظروف در آستانه اردبیل ساخته بودند و هم اکنون موجود و بهمان اسم باقی است نگهداری مینمودند.

بدیهی است پس از انقراض سلسله صفویه و انقلابات و کشمکشها و پیش آمد های مختلف چینی خانه اردبیل هم مانند نفائس دیگر ایران در معرض خرابی وخسارتهای زیاد واقع گردید ودر نتیجه قسمت زیادی از ظروف آن از محل خود خارج وبمحلهای های دیگر انتقال یافت.

در سال ۱۳۱٤ شمسی آنچه از دستبرد زمانه و حملات و غارتها وسرقتها باقی مانده و شامل بیش از نصف کلیه آنها بود یکجا از اردبیل بموزه ایرانباستان انتقال و در تالار مخصوصی که برای آنها در نظر گرفته شده بود نگهداری و نمونه های برجسته و خوب آن بمعرض نمایش گذارده شد.

کلیه این ظروف متعلق بیکزمان نبوده قسمتی از آنها قدیمی تر و قسمتی دیگر جدید تر است و بطور کلی ظروف سبزرنگ که معروف

بطوریکه در ابتدای مطلب ذکر شد حکاك این عبارات بر روی ظروف مزبور محمد حسین حکاك خراسانی بوده و این نکته که چطور شاه عباس تمام آنها را جمع‌آوری و وقف آستانه اردبیل نموده خود مطلبی است که باید درباره آن بررسی وتحقیق کامل نمود - درباره جدیدترین این ظروف یعنی آنهائیکه برنگ قرمز و رنگهای دیگر نقاشی شده باید گفت که درکارگاه سلطنتی چین ساخته شده وبایران ارسال گردیده‌است.

قسمتی از این ظروف که در تالار نمایش گذارده نشده از لحاظ تعداد چند برابر نمونه‌هائی است که بمعرض نمایش گذارده‌اند ودرخزانه مخصوص وقفسه‌های جداگانه نگهداری میشود.

راهنمای موزه‌ایرانباستان بطوراجمال دراینجا پایان یافت ومسلماً این راهنما بدون عیب و نقص نمیتواند باشد لکن برای احتراز ازتأخیر بیشتر و فقدان راهنما که یکی از نواقص قطعی موزه بشمار مىرودچارهٔ بجز تهیه وانتشار آن نبوده بدیهی است در آینده با فرصت و دقت بیشتر و ازدیاد توجه بموزه و افزایش وسایل کار امید بیشتر بتکمیل و رفع نواقص مىرود.

در چاپخانه بانك ملی ایران بچاپ رسیده است